



شش ماهنامه رشد امور فرهنگی

ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی
برای دبیران، دانشجویان و کارشناسان آموزش و پرورش
• دوره‌ی پانزدهم • آذر ۱۳۸۸ • شماره‌ی بی‌دری ۷۷
• ۴۸ صفحه • ۳۰۰۰ ریال

بسم الله الرحمن الرحيم

مدیر مسئول: محمد ناصری

سر دبیر: محمدرضا حشمتی

شورای برنامه‌ریزی و کارشناسی: جعفر ربانی، منصور ملک‌عباسی و

علی اصغر جعفریان

مدیر داخلی: فاطمه محمودیان

ویراستار: کبری محمودی

طراح گرافیک: پریسا سندسی

نشانی دفتر مجله: تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶

صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۷۹

تلفن: ۸۸۳۴۴۵۷

نمابر: ۸۸۳۰۱۴۸۷

پایگاه اینترنتی: www.roshdmag.ir

رایانامه: rahnamayi@roshdmag.ir

تلفن پیام‌گیر نشریات رشد: ۸۸۸۳۹۲۳۲ و ۸۸۳۰۱۴۸۲

کد مدیرمسئول: ۱۰۲ کد مشترکین: ۱۱۴

نشانی امور مشترکین: تهران، صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

تلفن امور مشترکین: ۷۷۳۳۶۶۵۵-۷۷۳۳۶۶۵۶

شمارگان: ۲۳۰۰۰ نسخه

چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

- تحول در نگرش / محمدرضا حشمتی / ۲
سلامت دستگاه تنفس / احمد مختاریان / ۳
فلسفه‌ی وجودی دوره‌ی راهنمایی / نصرالله دادار / ۴
مجله‌ی دیواری / کبری فرجیان / ۷
آموزش و پرورش در مصر / فاطمه خرقانیان / ۸
ساختار تربیت دینی / حجت‌الاسلام عباس پسندیده / ۱۲
مغز، تغذیه و خواب / سمیه سیفی / ۱۵
پژوهش و پژوهش‌های دانش‌آموزی / منصور ملک‌عباسی / ۱۶
تفسیر من از من / نیکو منفرد / ۱۹
محل زندگی من / دکتر ناهید فلاحیان / ۲۰
کارنمای معلمی / سید عبدالحمید میرحسینی / ۲۲
خصوصیات یک تیم موفق / مهدی رضائیان / ۲۴
فضای تفکر و تحلیل / دکتر یدالله سعیدنیا / ۲۶
سراپا گوش شویم / پروین داعی‌پور / ۲۹
معلم هوشمند / دکتر لیلا سلیقه‌دار / ۳۲
توجه به تفاوت‌های فردی / شهلا افتخاری / ۳۴
مهارت مطالعه / مریم خاکسار / ۳۸
به دنبال سارق / احمد عربلو / ۴۰
با محمود کیانوش / جعفر ربانی / ۴۲
برنامه‌ی پنهان آشکار / بهروز کهریز / ۴۴
پژوهش و نوجوانان / فاطمه محمودیان / ۴۵
پرسش مسئولان، پاسخ شما / ۴۵
نگاه و زاویه / طیبه رحیمی / ۴۶
نگاهی به مجله‌ی دانش‌آموزان / ۴۷
سؤال از شما، پاسخ از ما / ۴۸

قابل توجه نویسندگان و

مترجمان محترم:

– مقاله‌هایی که برای درج در مجله

می‌فرستید، باید با اهداف

و ساختار این مجله مرتبط باشد و

قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد.

– مقاله‌های ترجمه شده باید با متن

اصلی همخوانی داشته باشد و متن

اصلی نیز همراه آن باشد. چنان‌چه

مقاله را خلاصه می‌کنید، این

موضوع را قید بفرمایید.

– مقاله یک خط در میان، در یک

روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا

تایپ شود. مقاله‌ها می‌توانند با

نرم‌افزار word و بر روی CD یا

فلابی و یا از طریق رایانامه مجله

ارسال شوند.

– نثر مقاله باید روان و از نظر

دستور زبان فارسی درست باشد

و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی

دقت لازم مبذول شود.

– محل قرار دادن جدول‌ها، شکل‌ها

و عکس‌ها در متن مشخص شود.

– مقاله باید دارای چکیده باشد و

در آن هدف‌ها و پیام نوشتار در چند

سطر تنظیم شود.

– کلمات حاوی مفاهیم نمایه

(کلید واژه‌ها) از متن استخراج

شوند.

– مقاله باید دارای تیتیر اصلی،

تیتیرهای فرعی در متن و سوتیتیر

باشد.

– معرفی‌نامه‌ی کوتاهی از نویسنده یا

مترجم همراه یک قطعه عکس، عناوین

و آثار وی پیوست شود.

– مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص

مقاله‌های رسیده مختار است.

– مقالات در یافتی بازگردانده نمی‌شود.

– آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین

رای و نظر مسئولان مجله نیست.

تحول در نگرش

محمد رضا حشمتی

در آموزش و پرورش کشور ما، پژوهش سابقه‌ی طولانی ندارد. از این رو، ایجاد پیوند و ارتباط معقول و منطقی میان پژوهش‌های آموزشی - تربیتی و امور جاری تعلیم و تربیت در کلاس درس یکی از دغدغه‌های مهم مسئولان تعلیم و تربیت ایران است. وجود فاصله میان پژوهش‌های آموزشی - تربیتی و فعالیت‌های تعلیم و تربیت، می‌تواند بیانگر آن باشد که معلمان با جریان تدریس خود، به‌عنوان فرایندی پژوهشی برخورد نمی‌کنند. شاید بتوان ادعا کرد که این شکاف، بین پژوهش‌های دانشگاهی و کارگزاران اصلی تعلیم و تربیت وجود دارد؛ جدایی بین دو نهادی که هر یک مدعی هستند: یکی در عرصه‌ی نظریه‌پردازی و دیگری در عرصه‌ی عمل و تجربه. معلمان، پژوهشگران دانشگاهی را افرادی دور از شرایط عینی و عملی جریان یاددهی - یادگیری می‌پندارند و از این رو، به صلاحیت آنان در ارائه‌ی راه‌حل‌های واقع بینانه و منطبق با شرایط کلاس درس، با دیده‌ی تردید می‌نگرند. آن‌ها ترجیح می‌دهند، به تجربه‌های شخصی خود یا همکارانشان روی بیاورند و از این اندوخته‌ی دانش عملی هر چند پراکنده، غیرمنسجم و نامنظم، در برخورد با موقعیت‌های عملی بهره ببرند. لوتان کوی، متفکر جامعه‌شناس فرانسوی می‌گوید: «بین عمل و نظر، رابطه‌ی رفت و برگشتی وجود دارد. عمل، حدود صحت‌نظر را نشان می‌دهد و نظر، عمل را به واقعیت‌ها و حقایق نزدیک می‌سازد. در نهایت، تطبیق نظر با عمل سبب پیشرفت و جهش‌های علمی می‌شود.»^۱

تطبیق نظر با عمل، به‌ویژه در تحولات ضروری آموزش و پرورش، از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است. چرا که در غیر این صورت، حاصل تحول، یا با نیازهای موجود جامعه هم‌خوانی ندارد و یا آن‌قدر اسیر مسائل اجرایی و عملی است که دیگر تحول محسوب نمی‌شود. درواقع، تطبیق نظر با عمل، به تحول جهت می‌بخشد و همان‌گونه که مقام معظم رهبری در آذرماه ۸۶ اشاره کرده‌اند: «ما باید مدیریت کنیم که این تحول در جهت درست انجام بگیرد.» اما تحول باید از کجا شروع شود و چه کسانی باید متحول شوند؟ به نظر می‌رسد، تحول از نگرش‌ها باید آغاز شود؛ نگرش به انسان، نگرش به آموزش و پرورش او و نگرش به معلم.

بدیهی است، تا زمانی که نگرش مسئولان نظام نسبت به جایگاه ارزشمند و حساس نهاد آموزش و پرورش تغییر نکند، تحول چندانی نخواهیم دید. مقام معظم رهبری فرموده‌اند: «معلم محور حرکت جامعه است و چه بخواهد و چه نخواهد، رتبه‌ای بالا و عالی دارد و در حساس‌ترین نقطه ایستاده است»^۲، اما متأسفانه در بعضی مدارس و اداره‌های آموزش و پرورش، به بهانه‌ی مازاد بودن معلمان و بازنشستگی آن‌ها، رفتارهای ناشایستی صورت می‌گیرد، این موضوع گواه آن است که بین نظر و عمل، و ایده‌ها و آرمان‌ها و اقدامات اجرایی فعلی، تفاوت از زمین تا آسمان است. البته مشکل به همکاران آموزش و پرورش برمی‌گردد و به قول حافظ

من از بیگانگان هرگز ننالم که با من هرچه کرد آن آشنا کرد

زیرنویس

۱. کوی، لوتان. آموزش و پرورش تطبیقی. ترجمه‌ی محمد یمنی دوزی سرخابی. انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۵.
۲. بیانات مقام معظم رهبری در اردیبهشت ۸۶.

رشد آموزش
راهنمایی
تحصیلی

سلامت دستگاه تنفس

پزشک عمومی و مدیر مسئولی ۲ تهران
احمد مختاریان

روزی یکی از دبیران باتجربه، درباره‌ی ارزش سلامت دستگاه تنفس خاطره‌ای را نقل می‌کرد. می‌گفت: «... یکی از شرایط صدور مجوز در کلاس درس، موفقیت در آزمون سنجش حجم هوای تنفسی رسیرومتری^۱ بود. وقتی برای انجام تست، به آزمایشگاه مراجعه کردم، به من گفتند، حجم هوای تنفسی شما کمتر از مقداری است که بتوان آن را تأیید کرد. با پرس‌وجو و مشاوره با متخصصان ریه، فعالیت‌هایی را به منظور افزایش حجم و قدرت ریه‌ها انجام دادم تا بالاخره در آزمون نوبت بعد، نمره‌ی قبولی را آوردم و مجوز حضور در کلاس را برایم صادر کردند.» یکی از مهم‌ترین سرمایه‌ها و توانایی‌های هر مربی، داشتن شش‌هایی با حجم کافی و قدرت زیاد و حنجره‌ای قوی است. اگر معلم نتواند سخن بگوید و از هنرهای سخن گفتن بهره‌مند نباشد، حضور او در کلاس درس، نه تنها مفید نخواهد بود، که زیان‌آور نیز می‌شود. معلمی که صدای رسا نداشته باشد و طنین صدایش با شرایط تدریس منطبق و هماهنگ نباشد، قطعاً در تفهیم درس و اداره‌ی کلاس ناموفق خواهد بود. پس مراقب حنجره‌های خود باشیم. برای مراقبت بیشتر، باید بدانیم که دستگاه تنفس از این بخش‌ها تشکیل شده است: بینی، حنجره، نای و شش‌ها.

مراقبت از بینی

۱. همواره بینی خود را پاک نگه دارید. روزانه یک یا دو بار (بسته به شدت گرد و غبار و آلاینده‌های هوا و دود) بینی را با آب معمولی بشویید. به این عمل «استنشاق» گویند.
۲. خود را عادت دهید تا فقط از راه بینی نفس بکشید. تنفس از راه دهان کاملاً غیربهداشتی است.
۳. تا حد امکان در محل‌های دارای گرد و غبار و دود حضور نیایید و در صورت لزوم، از ماسک‌های مناسب استفاده کنید.
۴. هنگام پاک کردن تخته‌ی کلاس، به این نکات دقت کنید:
الف) تخته را به آرامی پاک کنید. (ب) از تخته‌پاک‌کن مناسب (نمدی) استفاده کنید.
ج) تخته را از بالا به پایین پاک کنید. (د) سرعت تنفس خود را کاهش دهید. (ه) چند لحظه پس از پایان کار، از تخته فاصله بگیرید تا ذرات گچ معلق در هوا فرونشینند.
و) تخته را در جهت جریان هوا پاک کنید تا غبار گچ به سوی شما حرکت نکند.

مراقبت از حنجره

۱. اگر صبحانه را در مدرسه میل می‌کنید، حتماً قبل از رفتن به کلاس، کمی آب گرم یا چای بنوشید.
۲. پس از هر جلسه درس، سعی کنید چای گرم (نه داغ) یا آب گرم بنوشید.
۳. از هیچ‌گونه مواد دخانی استفاده نکنید.
۴. مطالب را با صدای رسا بیان کنید، نه با صدای بلند و شبیه فریاد.
۵. پس از چند دقیقه تدریس، حتماً یکی دو دقیقه به حنجره‌ی خود استراحت دهید. رعایت موارد فوق، مانع از پیدایش سرطان حنجره می‌شود. البته در میان سخن‌رانان، خطیبان، خوانندگان، قاریان قرآن و مداحان، نوعی بیماری به نام گره خواننده^۲ رایج است که به دلیل استفاده‌ی مداوم و طنین بالای صدا ایجاد می‌شود. با رعایت موارد بالا، میزان این بیماری شدیداً کاهش می‌یابد.

مراقبت از شش‌ها

۱. تا حد امکان از قرار گرفتن در محیط‌های غبارآلود و دارای دود خودداری کنید.
۲. از دخانیات استفاده نکنید.
۳. با حبس نفس و تمرین‌های مشابه، حجم تنفسی خود را افزایش دهید. این عمل باعث تقویت عضلات تنفسی نیز می‌شود و قدرت تنفس را می‌افزاید.

اگر معلم نتواند
سخن بگوید و از
هنرهای سخن
گفتن بهره‌مند
نباشد، حضور او
در کلاس درس،
نه تنها مفید
نخواهد بود،
که زیان‌آور نیز
می‌شود

پی‌نوشت

1. Spirometry
2. Singer Node

فلسفه‌ی وجودی دوره‌ی راهنمایی

پای صحبت منوچهر فضلی خانی، مدیر کل دوره‌ی راهنمایی تحصیلی

نصرالله دادار

● مهم‌ترین مسئله‌ای که ضروری است امروز برای آگاهی معلمان و کارکنان دوره‌ی راهنمایی تبیین شود، چیست؟
○ یکی از مشکلات جدی امروز آموزش و پرورش این است که کارکنان آن، خیلی کم با فلسفه‌ی کار، برنامه، سیاست‌ها و راهبردها آشنا هستند. پیشاپیش می‌گوییم، این مشکل ماست و نه مشکل کارکنان. چون ما فرایندهای مؤثری برای تشریح فلسفه و چرایی برنامه‌ها ارائه نداده‌ایم. بنابراین، ضروری است که نیروی انسانی و همه‌ی مجموعه‌ی همکاران در سطح مدارس، با فلسفه‌ی وجودی دوره‌های تحصیلی آشنا شوند.

باید توجه داشت، هر برنامه که بدون فلسفه و چرایی اجرا شود، نمی‌تواند پذیرش درونی را فراهم کند در نتیجه شکست خواهد خورد. هم‌چنین همگان نسبت به اجرای آن مقاومت نشان می‌دهند. حتی اگر هم آن را هم اجرا کنند، یک تکلیف اداری را اجرا خواهند کرد و با تکلیف اداری نمی‌توان تعلیم و تربیت را پیش برد. باید با تکلیفی عاشقانه و جانانه که برگرفته از اعتقاد شخص است، به دنبال اجرای برنامه‌های تربیتی باشیم. خلاصه این که رویکرد اطلاع‌رسانی‌مان باید این‌گونه باشد، نه رویکرد یک طرفه‌ی محصول محور. ما باید فرایندها را هم بیان کنیم.

● آقای فضلی خانی! فلسفه‌ی وجودی دوره‌ی راهنمایی تحصیلی چیست؟

○ در جهان، ساختارها و مدل‌های متفاوتی برای دوره‌های گوناگون تحصیلی وجود دارد. مانند: شش، شش (شش سال ابتدایی، شش سال متوسطه) یا شش، سه، سه (شش سال ابتدایی، سه سال راهنمایی، سه سال متوسطه) و یا پنج، سه، چهار (پنج سال ابتدایی، سه سال راهنمایی، چهار سال



طرح این سؤال که فلسفه‌ی وجودی دوره‌ی راهنمایی چیست، شاید تعجب‌برانگیز باشد؛ آن هم برای کسانی که سال‌هاست در دوره‌ی راهنمایی مشغول انجام وظیفه هستند. اما حقیقت آن است که ما خیلی وقت‌ها کارهایی انجام می‌دهیم که اساساً از فلسفه‌ی آن بی‌خبریم. این در شرایطی است که اگر از فلسفه‌ی آن کار آگاهی داشتیم، می‌توانستیم موفق‌تر و بهتر عمل کنیم.

به گفته‌ی مدیر کل دوره‌ی راهنمایی تحصیلی، اکنون بسیاری از معلمان و کارکنان آموزش و پرورش، از فلسفه‌ی وجودی دوره‌های تحصیلی آگاهی ندارند، در حالی که ضروری است با این فلسفه آشنا شوند. بر همین اساس، به همراه سردبیر و رضا بهرامی، عکاس مجله، پای صحبت آقای فضلی خانی نشستیم. توجه شما را به گفت‌وگویی که با وی انجام داده‌ایم، جلب می‌کنیم:



متوسطه). مدل دوره‌های تحصیلی کشور ما، برگرفته از کشورهای موفق اروپایی و به صورت پنج، سه، چهار است. در دوره‌ی ابتدایی، دانش‌آموزان یک مجموعه مهارت‌های اساسی پایه مانند خواندن، نوشتن، گفت‌وگو، ارتباط، حساب کردن و... را یاد می‌گیرند. در این دوره، کسی دست به جداسازی و طبقه‌بندی دانش‌آموزان نمی‌زند، چون با اهداف این دوره مغایر است.

وقتی بچه‌ها وارد دوره‌ی راهنمایی می‌شوند، فرض بر این است که با تجربه‌هایی که در دوره‌ی ابتدایی به دست آورده‌اند، می‌توانند آرام آرام علاقه‌ها، توانایی‌ها و قابلیت‌های خود را شناسایی و سمت‌دهی کنند. بنابراین ما باید حین آموزش، به گرایش‌ها و توانایی‌های آن‌ها توجه بکنیم تا دانش‌آموزان هنگام خروج از این دوره، تا حدودی از شاخه‌ها و رشته‌های تحصیلی شناخت بیابند و نسبت به آن هدایت شوند. البته باید مواظب باشیم که این هدایت قطعی نباشد، چون انسان‌ها در حال تغییرند و ما نباید آن‌ها را محکوم کنیم که شما حتماً باید در این رشته درس بخوانی. باید توجه داشته باشیم، انسان در هر زمانی می‌تواند جاده و مسیر حرکتش را عوض کند و این انعطاف باید وجود داشته باشد. آموزش در دوره‌ی راهنمایی صرفاً جهت علم‌آموزی ندارد، بلکه می‌خواهیم دانش‌آموزان کم‌کم آن را مزه‌مزه کنند تا شناخت پیدا کنند و علاقه‌ها و توانایی‌ها و قابلیت‌های خود را بشناسند و برای انتخاب در دوره‌ی متوسطه آماده شوند.

● مهم‌ترین برنامه‌ها و سیاست‌های این دوره چیست؟

○ ما در دوره‌های تحصیلی آموزش و پرورش، سه زمینه‌ی برنامه‌ای داریم: پوشش تحصیلی، ارتقای نرخ‌های تحصیلی و کیفیت بخشی به آموزش و یادگیری. بخش سوم بخش کیفی است که مأموریت اساسی ماست و خوش‌بختانه

مقام معظم رهبری در آخرین صحبت‌هایشان در مورد آموزش و پرورش، بر ارتقای کیفیت تأکید کردند. ایشان در سیاست‌های کلی برنامه‌ی پنجم هم این‌گونه فرموده‌اند که «تحول در آموزش و پرورش از طریق ارتقای کیفی». این نشان می‌دهد که رشد کمیت‌ها در این دوره خوب است و باید بهتر هم بشود، ولی باید به کیفیت توجه ویژه کنیم.

● چرا درصد قبولی در سال اول راهنمایی در حد مطلوب نیست؟

○ همیشه پایه‌ی اول راهنمایی بیش‌ترین افت را دارد. به نظر من، علت این است که دانش‌آموز با دوره سازگاری ندارد و در اصل ما شیب ملایم بین دوره‌ای نداریم. دانش‌آموز پنج پله‌ی دوره‌ی ابتدایی را بالا می‌آید، اما پله‌ی ششم (اول راهنمایی) بلند است. دانش‌آموز ناگهان با ۱۰ دبیر، بیش از ۱۰ کتاب و در واقع ساختاری خاص روبه‌رو می‌شود. علت اصلی افت، ریشه در ساختار دارد و به دانش‌آموز و معلم مربوط نمی‌شود. این افت تحصیلی سنگین، به دلیل ساختار و تشکیلات نامناسب است.

● فکر نمی‌کنید یکی از دلایل افت تحصیلی در سال اول راهنمایی، به ویژگی‌های جسمی و روانی جدیدی مربوط است که دانش‌آموزان با آن روبه‌رو می‌شوند؟

○ طبیعتاً همین‌طور است. وقتی فیزیولوژی بدن انسان در یک دوره دچار تحول می‌شود، برای او دغدغه‌هایی ناخواسته ایجاد می‌کند که قطعاً در ارتباطات بین فردی و خارج از درون خودش تأثیر می‌گذارد. این امری بدیهی است. هر پسر یا دختری در مواجهه با رشد فیزیولوژی بدنش، ابتدا نگران می‌شود و این نگرانی در تحصیل و آموزش او تأثیرگذار است. تأکید ما هم بر همین موضوع است و معتقدیم، یکی از ویژگی‌هایی که معلمان دوره‌ی راهنمایی باید داشته باشند، شناخت دقیق مسائل جسمی و روحی دانش‌آموزان در دوره‌ی راهنمایی است. این اطلاعات جزو برنامه‌های درسی دانشگاهی است و معمولاً معلمان واحدهایی را می‌گزینند که این دوره را خوب بشناسند و مطابق با ویژگی‌های آن عمل کنند. برای نمونه، به تعدادی از ویژگی‌های دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی اشاره می‌کنم: دانش‌آموز دوره‌ی راهنمایی کار گروهی و مشاوره را دوست دارد. بنابراین، اگر معلم به این ویژگی‌ها توجه نداشته باشد، شکست می‌خورد. بعضی اوقات با این ویژگی‌ها برخورد سطحی می‌شود، یعنی وقتی می‌گوییم باید از دانش‌آموز مشورت گرفت، فکر می‌کنند باید سؤال کرد که خب بچه‌ها، به نظر شما این چگونه است؟ این کتاب چه‌طور است؟ در صورتی که مشورت این نیست.

یکی از مشکلات
جدی امروز
آموزش و پرورش
این است که
کارکنان آن،
خیلی کم با
فلسفه‌ی کارها،
برنامه‌ها،
سیاست‌ها و
راهنماها آشنا
هستند

**هر برنامه‌ای
که بدون فلسفه
و چرایی اجرا
شود، شکست
خواهد
خورد، چون
نمی‌تواند
پذیرش
درونی را
فراهم کند**

منظور از مشورت این است که تدریس، تدریس مشارکتی باشد، نه نظرخواهی. منظور این است که او دوست دارد در هر فرایند و گفت‌وگویی مشارکت داشته باشد و در تولید همان علم و دانش شریک باشد و کار مشارکتی و کار اکتشافی انجام بگیرد.

بچه‌ها در این سن شوق به جست‌وجو و کشف دارند. خب اگر سؤال، کتاب و تدریس ما مسئله مدار نباشند، این شوق آن‌ها سرکوب می‌شود. از این دست ویژگی‌ها، فراوان در بچه‌ها هست. هر دوره‌ای هم ویژگی‌های خاص خودش را دارد. معلم ما باید دقیقاً این شرایط را درک کند و اطلاعات، دانش و مهارت کافی را کسب کند. ممکن است ما دانش کافی را داشته باشیم، یعنی خوانده باشیم که سن یازده‌سالگی چه ویژگی‌هایی دارد، ولی این کافی نیست، باید مهارت برخورد با دانش‌آموز این سن و مهارت همراهی و مساعدت را هم داشته باشیم. مشکل ما بیشتر در این بخش دوم است. معلم فوق دیپلم، لیسانس و یا فوق لیسانس، دانش لازم را دارد و این واحدها را در کتاب‌های دانشگاهی گذرانده است، ولی به نظر می‌رسد، قدرت، صلاحیت برخورد و مهارت عملی یکی از مهم‌ترین مهارت‌هایی است که باید داشته باشد.

● برای ارتقای کیفیت یادگیری چه کارهایی انجام داده‌اید؟

○ عمده‌ترین کار ما در بخش ارتقا این است که چه کنیم تا آموزش دروس، به دانشی قابل اتکا، پایدار و مؤثر منجر بشود. در حال حاضر، شما از دانش‌آموزی که درس جغرافیا خوانده است، سؤال می‌کنید شهر شما در کجای جغرافیای ایران واقع شده است و او نمی‌داند. این نوع آموزش و یادگیری، ره به جایی نمی‌برد و فایده‌ای ندارد؛ آموزش باید وارد زندگی دانش‌آموز شود.

ما در این بخش، هشت طرح اساسی داریم: توسعه‌ی آموزش قرآن در دوره‌ی راهنمایی، غنی‌سازی تجربه‌های یادگیری، تربیت معلمان چند مهارتی به منظور کم کردن تعداد معلمان این دوره، ارتقای نقش تربیتی معلمان در ضمن تدریس، طرح کلاس‌های موضوع محور، برگزاری جشنواره‌های تدریس، طرح مهارت‌های زندگی، و بهبود مدیریت آموزشی.

● شما سه سال پیش در یکی از مصاحبه‌ها بتان فرموده بودید که یکی از مشکلات ما، تنوع درس‌ها و حجم کتاب درسی است و تلاش می‌کنیم این مشکل برطرف شود. سؤال ما این است که چه قدر توانسته‌اید این مشکل را حل کنید؟

○ در حال حاضر این کار دارد انجام می‌شود. ما معلمانی را انتخاب می‌کنیم که چند مهارتی باشند. مثلاً معلمی که ریاضی را می‌تواند تدریس کند، علوم را هم تدریس کند یا کسی که قرآن درس می‌دهد، عربی را هم درس بدهد. البته ما دروس را با هم هماهنگ کرده‌ایم. ریاضی و علوم با هم، اجتماعی و تاریخ و جغرافیا با هم، و قرآن، دینی، عربی و پرورشی با هم هستند.

در ارتباط با حجم، کتاب‌های درسی کم‌حجم شده‌اند و راهنمای کتاب‌های تاریخ، جغرافیا و اجتماعی هم یکی شده است. یعنی رویکرد ما در مورد حجم کتاب‌های درسی، کاهش است؛ البته کار سختی است. وقتی می‌خواهیم مثلاً درس‌های تاریخ و اجتماعی را به هم وصل کنیم، صدای عده‌ای بلند می‌شود که شما استقلال این درس‌ها را به هم ریخته‌اید. البته به نظر من، هنوز هم کتاب‌های درسی به کم کردن حجم نیاز دارند و هرچه حجم کتاب‌ها را کم کنیم، عمق یادگیری بیشتر می‌شود؛ یعنی هرچه تنوع و حجم کتاب زیاد باشد، دانش‌آموز کمتر یاد می‌گیرد. بنابراین، این هم سیاست وزارتخانه و هم سیاست سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی است که حجم کتاب‌های درسی کم شود.

● فکر نمی‌کنید شتاب کاهش تنوع و حجم کتاب‌های درسی کند است؟

○ من هم قبول دارم و در اکثر جلساتی که در سازمان پژوهش داشته‌ایم، به این نکته اشاره کرده‌ام که این حرکت کند است. نکته‌ای که خوب است به آن اشاره کنم، این است که معلمان فکر می‌کنند همه چیز را باید در کلاس درس یاد بدهند. در صورتی که می‌توان مفاهیم اساسی را به دانش‌آموزان یاد داد و به آن‌ها گفت که مطالب جزئی را خودشان بخوانند. معلمان وقت زیادی را صرف توضیح و تشریح زیاد و سخنوری می‌کنند و وقت کم می‌آورند؛ در صورتی که اگر بخواهیم با رویکردهای جدید تدریس کنیم، وقت اضافه می‌آوریم. در کلاس باید مسئله مطرح شود و نحوه‌ی پژوهیدن یاد داده شود، نه این که دانش عرضه شود. دانش‌ها باید در فرایند یادگیری بیرون از مدرسه عرضه شود.

با این رویکرد، ساعت کلاس‌ها نباید زیاد شود، بلکه باید کاهش یابد. ما باید این را تغییر دهیم. مگر ما چه قدر می‌توانیم وقت را اضافه کنیم؟ خواست مدارس راهنمایی افزایش وقت است، در صورتی که درست نیست. یعنی اگر معلمان آزاد باشند، وقت شب دانش‌آموزان را هم پر می‌کنند.

همیشه برای خواندن مجلات رشد با دختر کوچکم که در دوره‌ی ابتدایی درس می‌خواند، مبارزه‌ای شیرین داشتم و درنهایت، با قرار این که هر کدام به‌نوبت یک مطلب را از اول جمله را تا آخر بخوانیم، شروع به خواندن مجله می‌کردیم. ثمره‌ی این مبارزه، داشتن لحظاتی شیرین در کنار هم (من و دخترم) و علاقه‌مند ساختن او به مطالعه بود. در پایان سال هم با گردآوری مطالب و نگهداری آن‌ها در جای مناسب، در تحقیق درسی، از آن‌ها استفاده می‌کردیم.

بعد از گذشت چند سال و انباشته شدن مجلات، این فکر به سرم زد که آن‌ها را به‌عنوان هدیه، به دانش‌آموزان مدارس روستایی دیگر اهدا کنم تا آن‌ها نیز از خواندن مطالب مجله حظ ببرند و روحیه‌ی مطالعه در آن‌ها هم تقویت شود. به آن‌ها گفتم، گاهی شماره‌های خود را با هم عوض کنند و مطالب جالب را در فرصت‌های مناسب برای هم کلاسی‌هایشان بخوانند و در آخر سال، یک یا دو مجله را پیش خود نگه دارند.

اخیراً هم شماره‌های محدودی از مجله را خریده و صفحاتی از آن‌ها را جدا کرده‌ام، در پوشش نایلونی قرار داده و روی تخته‌های کلاس و سالن نصب کرده‌ام. چون مطالب کوتاه را انتخاب می‌کنم، در وقت تفریح و زمان بیکاری، سریع خوانده می‌شوند.

هر هفته با استقبال دانش‌آموزان، مطلب جدیدی روی تخته نصب می‌کنم. در آغاز، بیشتر مطالب ادبی را که مناسب درس خودم یعنی ادبیات بود، به مدرسه می‌بردم، اما بعد از توجه دانش‌آموزان و تقاضای همکاران دروس دیگر، سایر مطالب از جمله زبان، سرگرمی، ریاضی و علوم را نیز به کلاس می‌برم تا از آن‌ها هم استفاده کنیم.

مجله‌ی دیواری

کبری فرجیان

دبیر ادبیات فارسی، مشهد





اشاره

مصر زمانی از متمدن ترین ملل جهان و با فرهنگ ترین کشورها بود. سابقه‌ی تمدن شش هزار ساله که با حضور فرهیختگان همراه بوده است، مردم این کشور را به جایگاهی رفیع در زمینه‌ی درک و شعور اجتماعی، و شهرتی جهانی و مثال‌زدنی رسانده است. دانشگاه‌های معتبر: الازهر، عینی شمس و قاهره، تنها بخشی از این میراث فرهنگی هستند. مصر خاستگاه بسیاری از جریان‌ها و تحولات فکری-دینی معاصر است. حرکت اخوان المسلمین، جهاد اسلامی، جماعت اسلامی، نمونه‌هایی از این جریانات هستند. مصر یکی از بزرگ‌ترین نظام‌های آموزشی در خاورمیانه و شمال آفریقا را دارد که از اوایل دهه‌ی ۹۰ به بعد، با سرعت بسیار زیادی پیشرفت کرده است. مصر از لحاظ سیاسی وابستگی شدید به کشورهای غربی دارد. حسنی مبارک رئیس‌جمهوری مادام‌العمر در این کشور است، هم‌چنین در قبال مسائل فلسطین و جنبش حق طلبانه‌ی مردم لبنان ستم‌های فراوانی روا داشته است. روابط ایران و مصر، رابطه‌ی صمیمانه‌ای نبوده و گاه آمیخته با دشمنی است.

در سال‌های اخیر، دولت مصر اولویت بسزایی برای نظام آموزشی قائل شده است. آموزش و پرورش نوین مصر برگرفته از میراث باقی‌مانده از انگلیسی‌ها، مصر سکولار و نظام تعلیم و تربیت اسلامی است.

طبق «شاخص‌های توسعه‌ی نیروی انسانی» (HDI)، مصر در جایگاه ۱۱۶ در دنیا قرار دارد. درصد سرمایه‌گذاری دولت در بخش آموزشی، بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷ م، بین ۳/۷ تا ۴/۸ درصد متغیر بوده است. آموزش و پرورش در مصر، دولتی و رایگان است، گرچه مدارس خصوصی نیز، به‌صورت نهادهای موازی، وجود دارند.

کلیدواژه‌ها: مصر، آموزش و پرورش، معلمان.

مدارس الازهر

مدارس الازهر جزو گروه مدارس خصوصی به حساب می‌آیند که به‌طور موازی با مدارس دولتی فعالیت دارند. تفاوت مدارس الازهر با سایر مدارس خصوصی در این است که مؤسسه‌ی الازهر مستقل از وزارت آموزش و پرورش مصر و تحت نظارت نخست‌وزیر قرار دارد. نظام آموزش دولتی مصر بر مبنای آموزش سکولار برنامه‌ریزی شده، در حالی که مؤسسه‌ی الازهر مدارس خود را با هدف تعلیم و تربیت دینی پایه‌ریزی کرده است. برنامه‌ی آموزشی این مدارس از دو بخش تشکیل شده است: بخش اول، برنامه‌ی مصوب آموزش و پرورش مصر که طبق آن، دانش‌آموز الازهر، همه‌ی دروسی را که در مدارس دولتی آموزش داده می‌شوند، فرا می‌گیرد. اما در کنار آن و در بخش دوم، دروس دینی از قبیل قرآن و تفسیر آموزش داده می‌شوند.

مؤسسه‌ی الازهر برای تمام سطوح تحصیلی، از ابتدایی تا تحصیلات تکمیلی دانشگاهی، مدرسه و دانشگاه دارد که در سراسر مصر، در دسترس مسلمانان است. کلاس‌ها به‌صورت مجزا برای دختران و پسران برگزار می‌شوند. در اوایل سال ۲۰۰۰، تعداد مدارس الازهر در کل کمتر از ۴ درصد مدارس مصر بوده است.

اصلاحات آموزشی

مطابق گزارش سال ۱۹۹۶ سازمان یونسکو و «برنامه‌ی توسعه‌ی بین‌المللی»^۲ به وزارت آموزش و پرورش مصر، مراحل اولیه‌ی انجام اصلاحات در ساختار آموزش پایه‌ی مصر (طی سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۶) با موفقیت قابل توجهی همراه بوده است، به نحوی که اقدامات به عمل آمده، روح پویایی در پیکره‌ی فرایند اصلاحات پایدار در کشور دمیده است. مهم‌ترین اصلاحات آموزشی مصر طی دهه‌ی اخیر عبارت‌اند از:

۱. **افزایش بودجه:** طی سال‌های ۹۱-۱۹۹۰ تا ۹۶-۱۹۹۵، بودجه‌ی عمومی آموزش پایه به ۴۷ درصد کل بودجه‌ی آموزش و پرورش رسید.

۲. **افزایش سرمایه‌گذاری:** در حوزه‌ی فضاهای آموزشی، سرمایه‌گذاری به میزان ۳۵ درصد افزایش یافت و بودجه‌های دولتی اختصاص یافته به این امر، از ۱۲ درصد به ۱۹ درصد کل بودجه‌ی آموزش و پرورش رسید.

۳. **اصلاح متون آموزشی:** مواد درسی به‌طور کامل مرور و بازبینی شدند و متون آموزشی جدیدی برای دانش‌آموزان و معلمان نگارش یافتند.



**مصر یکی از بزرگ‌ترین
نظام‌های آموزشی در
خاورمیانه و شمال آفریقا
را دارد**

۴. **حمایت از معلمان و آموزش آنان:** اتخاذ سیاست‌های زیر، حاکی از تعهد دولت مصر در قبال معلمان است:

- حمایت‌های مالی از معلمان؛
- افزایش اعتبارات بهداشتی، اجتماعی، رفاهی و فرهنگی؛
- افزایش پاداش‌ها و مزایای شغلی معلمان در قبال با موفقیت گذراندن دوره‌ها.

از جمله مهم‌ترین سیاست‌های آموزشی مصر، تعطیل کردن مراکز تربیت معلم دوره‌های ابتدایی و متوسطه و سپردن این مسئولیت به دانشگاه‌ها بوده است. همچنین، در جهت ارتقای سطوح آموزشی معلمان و انسجام منابع تربیتی و آموزشی آنان اقداماتی به شرح زیر صورت پذیرفته است:

- تأسیس کالج‌های تخصصی آموزشی، برای آموزش معلمان هنر و موسیقی؛
- تدارک آموزش مستمر از راه دور، از طریق برگزاری کلاس‌های ویدیو کنفرانس برای معلمان سراسر کشور؛
- اعزام گروهی از داوطلبان رشته‌ی معلمی برای تحصیل در رشته‌های علوم، ریاضیات، زبان انگلیسی و زبان فرانسه به خارج از کشور.

شمار معلمان خارج رفته در سال ۱۹۹۹ بالغ بر ۱۳۵۵ نفر بود که نسبت به سال ۹۴-۱۹۹۳ حدود ۲۹ درصد افزایش داشت. گفتنی است، معلمان با مساعدت دفاتر فرهنگی مصر مستقر در دانشگاه‌های معتبر انگلستان،

از: احداث آزمایشگاه فناوری در مدارس، افزایش کاربرد مواد آموزشی چندرسانه‌ای و طراحی سیستم آموزش از راه دور.

ع. طراحی درون‌دادهای نوین برنامه‌های آموزشی:
آموزش زبان انگلیسی از سال ۱۹۹۴ و آموزش زبان فرانسه از سال ۱۹۹۵ در پایه‌ی چهارم ابتدایی گنجانده شده است. برای فراگیری زبان فرانسه، مدرسه‌ی تخصصی برخوردار از آزمایشگاه‌های زبان تأسیس شد. دولت مصر درصدد است، با گنجانیدن دروس عملی هم‌چون نحوه‌ی نگهداری، و تعمیر وسایل و تجهیزات در پایه‌های چهارم و پنجم ابتدایی، باعث شکوفایی استعداد دانش‌آموزان و ارتقای مهارت‌های عملی آنان شود. به این ترتیب دانش‌آموزان می‌توانند به تجربه‌های عملی دست بزنند.

از جمله‌ی دیگر درون‌دادهای نوین آموزشی، تأکید فراوان بر آمیختن برنامه‌های آموزشی با مفاهیم آموزشی جمعیت‌شناختی و محیط‌شناختی است تا دانش‌آموزان با معضلات ناشی از افزایش جمعیت و تغییر و تخریب محیط‌زیست آشنایی یابند.

چالش‌ها

با وجود پیشرفت‌های قابل توجه در توسعه‌ی نظام آموزشی که موجب پرورش سرمایه‌های انسانی شده است، هم‌چنان کیفیت «تجربیات آموزشی» پایین است و به‌ویژه امکانات آموزشی به‌صورت نابرابر توزیع شده‌اند. فقدان کیفیت مناسب آموزشی در سطوح ابتدایی و مقدماتی متوسطه، به رونق بازار تدریس خصوصی انجامیده است. طبق گزارش توسعه‌ی انسانی مصر در سال ۲۰۰۵، ۵۸ درصد از خانواده‌های نمونه‌گیری شده اظهار داشتند که فرزندانشان معلم خصوصی دارند. طبق مطالعات انجام شده توسط یونسکو، مصر به عنوان شانزدهمین کشور پرجمعیت جهان، رتبه‌ی متوسط

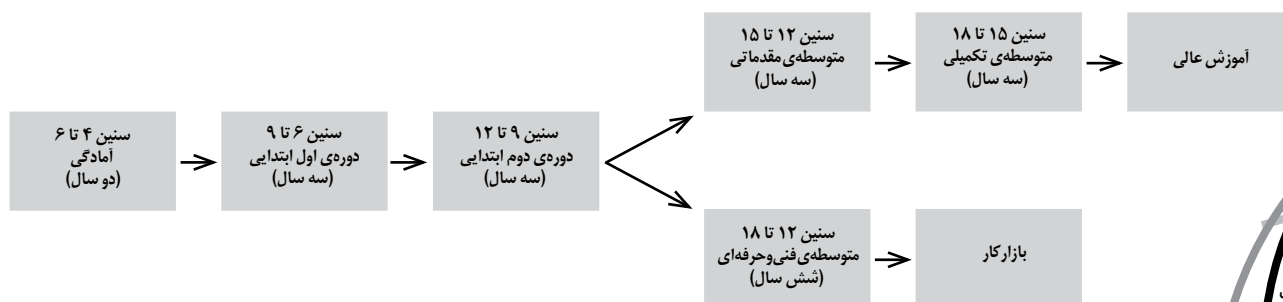


ایالات متحده‌ی آمریکا، فرانسه و ایرلند، آموزش می‌بینند.

۵. تجهیز مدارس: تلاش‌های فراوانی صورت گرفته است تا کلاس‌های درس به اتاق‌های کاملاً مجهز و برخوردار از انواع تجهیزات و ابزار کمک آموزشی متناسب با موضوعات درسی گوناگون و فعالیت‌های آموزشی متفاوت مبدل شوند. به علاوه، سالن‌هایی مجهز به انواع تجهیزات آموزشی نیز تدارک دیده شده‌اند و دانش‌آموزان براساس برنامه‌های زمان‌بندی شده در این سالن‌ها حضور می‌یابند. آنان مجبور به حضور مستمر در کلاس‌های درس نیستند، بلکه آزادانه در سالن‌ها حضور می‌یابند و خود را با فعالیت‌های متنوع و در عین حال نشاط‌آور مشغول می‌کنند. سایر اقدامات انجام شده در این زمینه عبارت‌اند

در دوره‌ی راهنمایی، دانش‌آموزان به توانایی‌های لازم برای بازشناسی استعدادها و کشف توانمندی‌های خویش دست می‌یابند

نمودار برنامه‌ی دوره‌های آموزش



رشد آموزش
راهنمایی
تحصیلی



را در زمینه‌ی برابری آموزشی داراست. بدین معنا که در سراسر مصر، برابری در ثبت‌نام برای دوره‌های ابتدایی و راهنمایی در وضعیت متوسط قرار دارد. اما آن‌گاه که مؤلفه‌ی ثروت در اکتساب تحصیل لحاظ می‌شود، نتایج تحقیقات چندان دلگرم‌کننده نیست. به میزان قابل توجهی نرخ ثبت‌نام در مناطق ثروتمند، در هر دو سطح ابتدایی و متوسطه بیشتر است. این مؤید آن است که کاستن از شکاف‌های مالی برای دستیابی به برابری همگانی در تحصیل، ضروری است.

الف) مختصات دوره‌ی آموزشی مقدماتی متوسطه (دوره‌ی راهنمایی)

آموزش مقدماتی متوسطه، دوره‌ی میانی مراحل آموزشی است. این دوره از تحصیل، دوره‌ی ابتدایی را به دوره‌ی متوسطه‌ی تکمیلی پیوند می‌دهد. در این دوره، دانش‌آموزان به توانایی‌های لازم برای بازشناسی استعدادها و کشف توانمندی‌های خویش دست می‌یابند. این قبیل توانایی‌ها، در راستای نوع مناسبی از آموزش هدایت می‌شوند و دانش‌آموزان از قدرت تشخیص استعدادها و علاقه‌مندی‌های خود به منظور ادامه‌ی تحصیل در مراکز تکمیلی متوسطه و دانشگاه برخوردار می‌شوند. از این روی، آموزش مقدماتی متوسطه در پایه‌گذاری و شکل‌دهی شخصیت دانش‌آموزان نقش بسیار مؤثری ایفا می‌کند.

در این مدارس، مراحل اولیه‌ی شکل‌گیری خودآگاهی و عواطف دانش‌آموزان تثبیت می‌شود و تحول از دوره‌ی کودکی به جوانی به وقوع می‌پیوندد. علاوه بر این، آموزش مقدماتی متوسطه سبب ایجاد تحولات روان‌شناختی و شکل‌گیری نگرش شهروندان مصری می‌شود. در این مرحله از تحصیل، دانش‌آموز به قدرت تشخیص توانایی‌های خود برای ادامه‌ی تحصیل در حوزه‌های فنی یا غیرفنی دست می‌یابد.

ب) اصول آموزشی

از جمله مهم‌ترین این اصول می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. تأکید بر ارزش‌های مذهبی، همراه با درک و فهم صحیح این ارزش‌ها.
۲. رشد و ارتقای مهارت‌های ارتباطی مؤثر که به رشد و تعالی افراد در فرایند یادگیری زبان عربی به عنوان ابزار و مبنای تحکیم و تثبیت هویت ملی می‌انجامد. به

همین‌سان، به فراگیری زبان‌های خارجی به عنوان ابزار ارتباط با تمدن و فناوری جهانی، توجهی خاص مبذول می‌شود.

۳. اولویت دادن به رشته‌های جدید آموزش و مطالعه‌ی دقیق و همه‌جانبه برای تأسیس این قبیل رشته‌ها.

۴. رشد تفکر هدفمند و خلاق.

۵. تربیت و پرورش نگرش‌های خلاق به منظور شکوفایی استعدادهای دانش‌آموزان در فعالیت‌های گوناگون.

۶. رشد نگرش‌ها و تمایلات شخصی.

۷. تأکید بر ارزش‌های اجتماعی.

۸. تقویت زبان عربی کلاسیک به عنوان ابزار بیان ملی.

۹. ارتقای سطوح یادگیری زبان‌های خارجی.

ج) دستاوردهای آموزشی

از جمله مهم‌ترین دستاوردهای دوره‌ی آموزش مقدماتی متوسطه که در پرتو پیشنهادات «کنفرانس ملی توسعه‌ی آموزش مقدماتی متوسطه» حاصل شده‌اند، عبارت‌اند از:

- عنایت به سطوح عالی شناختی هم‌چون ادراک، و به‌کارگیری تجزیه و تحلیل؛
- انجام طرح‌های مطالعاتی به منظور دستیابی به نظام آموزش تمام وقت.

پی‌نوشت

1. Human Development Index
2. United Nation Development Program (UNDP)

منابع

۱. ساختار آموزش و پرورش تا آموزش عالی ۹۳ کشور جهان. گردآوری و تنظیم: رضا فلاح‌پور. تهران: نشر مؤسسه‌ی فرهنگی منادی تربیت. ۱۳۷۸.
2. E:egypt/Education in Egypt-wikipedia, the Free encyclopedia.mht
3. <http://education.stateuniversity.com/pages/411/egypt-EDUCATIONAL-SYSTEM-OVERVIEW.html>
4. <http://www.iranculture.org/research/edupol>
5. www.hawzah.net/hawzah/magazine

ساختار تربیت دینی

حجت الاسلام عباس پسندیده

محقق و کارشناس پژوهشکده علوم حدیث

کلید واژه‌ها: شناخت، اخلاق، رفتار.

اشاره

در شماره‌های پیش، با دو رویکرد (مناسکی، رفتاری و معرفتی، و اخلاقی) در تربیت دینی آشنا شدیم و بیان کردیم که تربیت دینی، تضمین کننده‌ی موفقیت و سعادت فرزندان است؛ از این رو، تربیت دینی با تربیت برای زندگی منافاتی ندارد. البته درباره‌ی این که به‌طور مشخص، چگونه تربیت دینی موجب موفقیت و سعادت فرزندان می‌شود، بعداً بیشتر سخن خواهیم گفت. در این شماره بر آنیم تا ابعاد و مؤلفه‌های تربیت دینی را روشن کنیم.

دانش آموز با ایمان کیست؟

پیش از آغاز فرایند تربیت، باید موضوع تربیت را به درستی شناخت. تا ندانیم تربیت دینی شامل چه ابعاد و مؤلفه‌هایی می‌شود، عملیات تربیت، ناقص و یا اشتباه صورت خواهد گرفت. یکی از عوامل ناکامی در تربیت دینی، ناشناخته بودن تربیت دینی است. گاه برخی امور را جزو تربیت دینی می‌دانیم، در صورتی که چنین نیست و گاه برخی امور را خارج از تربیت دینی می‌دانیم، در صورتی که جزو آن است. گاه برخی امور را خیلی مهم می‌دانیم، در حالی که چندان اهمیت ندارند و گاه برخی امور را نادیده می‌گیریم، در حالی که بسیار اهمیت دارد. این که بدانیم چه چیز جزو تربیت دینی هست یا نه و وزن و اندازه‌ی هر عامل در تربیت دینی چه قدر است و هر کدام چه جایگاهی دارند، از موضوعات مهم در تربیت دینی محسوب می‌شوند. از این رو، در گام نخست باید این امور را به درستی شناخت.

تربیت دینی، یک «محور اساسی»، سه «بعد» و چندین «مؤلفه» دارد. محور، رکن و اساس تربیت دینی است که در همه‌ی امور جریان دارد. ابعاد سه گانه، قلمروهایی از انسان هستند که محور در آن‌ها نمود می‌یابد. مؤلفه‌ها، اجزای عینی و مشخص تربیت دینی به‌شمار می‌روند که در مقام عمل با آن‌ها روبه‌رو هستیم. در ادامه، به معرفی این امور خواهیم پرداخت.

محور تربیت دینی

تربیت دینی، محور و اساسی به نام «خدا» دارد. همه‌چیز در تربیت دینی بر خدا و توحید استوار است. آن چه این جا مهم است، این که تربیت دینی یعنی «خدایی‌سازی» و «توحیدی بار آوردن» دانش آموزان. معلم و مربی موفق کسی است که بتواند خدا را در کانون زندگی دانش آموز قرار دهد و تمام ابعاد زندگی‌اش را براساس آن تنظیم کند. برای روشن تر شدن این مسئله، باید ابعاد و قلمروهای تربیت دین را که خدا در همه‌ی آن‌ها محور است، مشخص ساخت.

ابعاد تربیت دینی

انسان از منظر مباحث تربیتی اسلام، سه بعد دارد: «شناخت»، «اخلاق» و «عمل». شناخت، به مسائل فکری



و اعتقادی انسان مربوط

می‌شود و اخلاق، به بخش صفات و فضایل انسانی، و عمل، به بخش رفتارها و مناسک انسان. این سه بعد، نه به صورت تفکیک شده، بلکه به صورت منظم با یکدیگر ارتباط دارند. شناخت و معرفت در رأس قرار دارد. نوع شناخت و معرفت انسان، تعیین کننده ی ابعاد دیگر است. ما آن گونه که می‌اندیشیم، اخلاق و رفتار خود را شکل می‌دهیم. پس از شناخت، اخلاق قرار دارد که اصول بیشتری را شامل می‌شود و از معرفت سرچشمه می‌گیرد. در حقیقت، اخلاق پشتوانه ی رفتار و عمل انسان است و بالاخره در نهایت عمل و رفتار انسان قرار دارد که محصول اخلاق و معرفت اوست.

درباره ی جایگاه و اهمیت هر کدام، در آینده سخن خواهیم گفت. آنچه این جا مهم است، این که هر سه بعد انسان، بر محور خدا و توحید می‌چرخد. از این رو، تربیت دینی، ترکیبی از «معرفت الهی»، «اخلاق الهی» و «رفتار الهی» است. در تربیت دینی، باید هر سه بعد را و چگونگی تعامل میان آن‌ها را در نظر گرفت. دانش آموز با ایمان کسی است که هر سه بعد او به صورت هماهنگ و نظام یافته، با محوریت الله تنظیم شده باشد و لذا مربی موفق کسی است که بتواند دانش آموز را در این سه بعد پرورش دهد. در یک کلام می‌توان گفت، تربیت دینی یعنی قراردادن «خدا» در کانون شناخت، اخلاق و رفتار انسان. این که هر کدام از این ابعاد سه‌گانه چه مؤلفه‌هایی را شامل می‌شود، در بحث آینده روشن می‌شود.

مؤلفه‌های تربیت دینی

هر کدام از ابعاد، مؤلفه‌های خاص خود را دارند که هم‌چنان با محوریت توحید تنظیم می‌شوند:

مؤلفه‌های شناختی

در بُعد شناخت و اعتقاد، قائل به اصول سه‌گانه ی دین و اصول پنج‌گانه ی دین و مذهب هستیم و بر این باوریم که «توحید، نبوت و معاد» اصول دین‌اند که همه ی آن‌ها را قبول دارند و «عدل و امامت» دو اصل مذهب شیعه هستند که به آن سه اضافه می‌شوند. این درست است، اما باید در نظر داشت که این سه یا پنج اصل، در عرض یکدیگر نیستند. هر چند همه ی آن‌ها اصل به‌شمار می‌روند، اما یکی از آن‌ها اصل اساسی و بقیه ی اصول مبتنی بر آن هستند. در تربیت دینی، رکن و اساس شناخت، معرفت خدا و باور به یگانگی اوست و انسان دین‌دار کسی است که خدا را بشناسد و به یکتایی او باور داشته باشد و او را تنها نیروی مؤثر در هستی بداند (توحید باوری). پس از خدا باوری و فرع بر آن، «ولایت» قرار دارد که براساس آن معتقدیم، خداوند متعال راهنمایی را برای هدایت و اداره ی امور بشر فرستاده است. این راهنمایان در دو گروه پیامبران معصوم و امامان طبقه‌بندی می‌شوند. بنابراین، ولایت نیز به دو قسم «نبوت» و «امامت» تقسیم می‌شود.

موضوع بعدی، «معاد» است که براساس آن معتقدیم، نظامی که خداوند متعال آفریده است، بی‌هدف نیست و با پایان یافتن زندگی این دنیا، مرحله ی دیگری از زندگی آغاز می‌شود که در آن، رفتار و کردار امروز بشر



الله

معرفت الهی

اخلاق الهی
(فضایل و ارزش‌ها)

رفتار الهی
اعمال و مناسک

در رأس هرم تربیت دینی، خدا و توحید قرار دارد. از این رأس، معرفت و باورهای الهی شکل می‌گیرند که همان اصول دین باشند و تعداد اندکی را شامل می‌شوند. پس از آن، اخلاق الهی قرار دارد که مبتنی بر باورها شکل می‌گیرد و تعداد بیشتری را تشکیل می‌دهد. در نهایت، رفتار الهی قرار می‌گیرد که بر اخلاق مبتنی است و تعداد بسیار بیشتری را شامل می‌شود.



محاسبه می‌شود و

زندگی جاوید بشر رقم می‌خورد. بنابراین، می‌توان گفت در اصول دین که اعتقادات قرار دارد، اساس، توحید و خداپاوری است که فرع بر آن ولایت و معاد شکل می‌گیرند.

مؤلفه‌های اخلاقی

بُعد اخلاق، به «خوب»ها و «بد»های زندگی مربوط می‌شود. انسان پیوسته به دنبال کشف خوب و بد است تا تکلیف خود را در عمل بداند. همه‌ی صفات و فضایل اخلاقی به این بعد مربوط می‌شود که طیف گسترده‌ای از موضوعات را شامل می‌شود. از این امور می‌توان به: تقوا، حیا، محبت، خوف، رجا، عفت، حلم، صبر و شکر اشاره کرد. مهم این که در تربیت دینی، همه‌ی این امور با محوریت خدا و توحید تعریف می‌شوند. ریشه و مایه‌ی اصلی هر آن چه صفات و فضایل اخلاقی نامیده می‌شود، در تمام انسان‌ها مشترک است. همه‌ی انسان‌ها ترس، امید، شرم، محبت و... دارند. تفاوت دینی و غیردینی بودن آن، در محور آن‌ها و موضوعات و متعلقات آن‌هاست. این جاست که تربیت دینی از تربیت غیردینی جدا می‌شود و مرز پیدا می‌کند. این جاست که مفهوم «اخلاق حسنه» و «اخلاق سیئه» به‌وجود می‌آید و «فضایل» و «ذائل» مشخص می‌شوند. به دیگر بیان، بعد اخلاقی انسان، صفات و موارد متعددی را شامل می‌شود که به‌صورت فطری و بالقوه در نهاد انسان قرار دارد. لذا دانش‌آموز با ایمان کسی است که این موارد را بر محور توحید و خدا تنظیم کرده است و مربی موفق کسی است که بتواند مؤلفه‌های متعدد این بعد را بر محور خدا تربیت کند و شکل دهد. ان شاء الله در جای خود به اندازه‌ی امکان، به این موارد خواهیم پرداخت.

مؤلفه‌های رفتاری

بُعد عمل، به بایدها و نبایدها مربوط می‌شود. زندگی، پر از «انجام»ها و «ترک»های فراوان است. انسان، یا در حال انجام کاری است و یا در حال ترک آن. مهم این است که محور انجام و یا ترک انسان چیست. تفاوت انسان‌ها در مقام عمل، براساس محوری که باید یا نباید را تعریف می‌کند، به‌وجود می‌آید. وقتی شناخت و اخلاق انسان با محور خدا و توحید سامان یافت، رفتارهای وی نیز بر همین اساس شکل می‌گیرند. کسی که تربیت توحیدی داشته باشد، به آن چه خداوند متعال امر کرده است، عمل می‌کند و از آن چه نهی کرده است، باز می‌دارد. این جاست که مفهوم «عمل صالح» و «عمل سیئه» و «طاعت» و «معصیت» شکل می‌گیرد. بنابراین، مربی موفق کسی است که بتواند خدا را در کانون عمل دانش‌آموز قرار دهد و تمام افعال و رفتار او را براساس آن تنظیم کند و به او پیام‌دهد که فقط برای خدا کار کند. در جمع‌بندی ابعاد سه‌گانه می‌توان گفت، شناخت و معرفت، بنیان و اساس تربیت را تشکیل می‌دهد. این بنیان که امری درونی و فکری است، در مرحله‌ی بعد، اخلاق را سامان می‌دهد که قدری عینی‌تر است. پس از آن، نوبت به عمل می‌رسد که رفتارهای انسان را شکل می‌دهد. بنابراین، هرچند عمل، سرنوشت انسان را تشکیل می‌دهد، اما نیازمند پشتوانه‌های معرفتی و شناختی است. از این رو می‌توان نتیجه گرفت، تربیت دینی یعنی تنظیم بعد شناختی، اخلاقی و رفتاری انسان بر اساس توحید و خداپاوری.





مغز، تغذیه و خواب

● تدریس به دانش آموزان درباره‌ی تأثیر تغذیه‌ی مفید بر مغز و یادگیری

اشاره

در شماری قبل درباره‌ی اهمیت آشنایی دانش آموزان با کارکرد مغز و نیز تأثیر آب بر مغز و یادگیری صحبت کردیم. در این شماره، راهکارهایی را برای اجرای بهتر آموزش و یادگیری مغز محور ارائه می‌دهیم.

مغز هر انسان از ۱۳۰۰ تا ۱۴۰۰ گرم وزن دارد. با وجود این تنها دو درصد از وزن بدن انسان بالغ را به خود اختصاص داده است در حالی که حدود ۲۰ درصد انرژی بدن را مصرف می‌کند. منبع اصلی انرژی برای مغز، خون است که مواد مغذی مثل گلوکز، پروتئین، عناصر شیمیایی و اکسیژن را در اختیار مغز قرار می‌دهد. مغز به تنهایی روزانه ۱۸۰ گرم گلوکز مصرف می‌کند (۳۰ درصد کل گلوکزی که بدن در روز مصرف می‌کند). مغز بدون گلوکز نمی‌تواند به‌طور مؤثر فعالیت کند. اگر دانش آموزان بدانند انرژی مغزشان چگونه به‌دست می‌آید، مواد مغذی و مفید برای بدن، به‌خصوص مغز چه چیزهایی است، و از تأثیر تغذیه بر مغز و سیستم یادگیری آشنا باشند، با هوشمندی (تفکر) غذا می‌خورند و صرفاً به رفع گرسنگی توجه نمی‌کنند.

مواد غذایی مفید برای مغز و یادگیری عبارت‌اند از: سبزیجات پررنگ، ماهی، میوه‌جات تازه، چهارمغز (گردو، فندق، پسته و بادام خام).

معلمان و دانش‌آموزانی که از تأثیر تغذیه بر مغز و یادگیری آگاه باشند، فرهنگ صبحانه خوردن را نهادینه می‌سازند و در زنگ‌های تفریح از مواد غذایی مفید استفاده می‌کنند.

● تدریس به دانش آموزان درباره‌ی تأثیر خواب بر مغز و یادگیری

انسان‌ها حدود یک‌سوم از اوقات زندگی خود را در حالت خواب به سر می‌برند. **لسلی هارت*** (۱۹۹۷) چنین بیان داشته است که در زمان خواب، هیپوکامپ (که نقش اساسی را در حافظه‌ی درازمدت دارد) یادگیری فرستاده شده از قشر مخ را تمرین می‌کند. پس می‌توانیم بگوییم، مغز ما در زمانی که خواب هستیم، فعال است.

هورمون‌های مؤثری که در طول شب در مغز ما ترشح می‌شوند، به یادگیری، حافظه، سلامتی و نیز کاهش استرس‌ها و فشارهای روانی کمک می‌کنند. جالب است بدانیم، غده‌ی هیپوفیز موجود در مغز، در طول خواب، هورمون‌های رشد و ترمیم بیشتری وارد جریان خون می‌کند تا به بازسازی و تنظیم سیستم ایمنی کمک کند. ترشح این هورمون‌ها در آغاز شب، در حداکثر میزان خود است.

خواب کافی برای ذخیره و پردازش اطلاعات، تقویت سیستم ایمنی بدن، کاهش استرس و فشارهای روانی برای همه به‌خصوص دانش‌آموزان، ضروری است. وقتی دانش‌آموزان از سیستم مغز خود آگاه شوند و از عوامل مؤثر بر آن اطلاع داشته باشند، خودشان ساعات خواب خود را با حمایت والدین تنظیم خواهند کرد، آگاهانه و هوشمندانه خواهند خوابید و از صرف انرژی بیش از حد والدین، برای قانع کردن فرزندان برای رفتن به رخت‌خواب، جلوگیری خواهند کرد. ضمناً، مطالعه‌ی خود را مخصوصاً در فصل امتحانات، به گونه‌ای تنظیم خواهند کرد که انرژی بیشتری به مغزشان برسانند.

زیرنویس

*. Lesli Hart

منابع

۱. جنسن، الف. مغز و آموزش. ترجمه‌ی لیلی محمدحسین و سیده رضوی. تهران: مدرسه، ۱۳۸۳.

2. Sousa, D. A. (2006). How the Brain Learns. (3rd-ed) thousand OAKS, CA. Corwin press. Colifornia.

کلید واژه‌ها: پژوهش‌های دانش‌آموزی، آموزش فعال، روحیه‌ی جست‌وجوگری، خودباوری و اعتمادبه‌نفس.

اشاره

قبل از هر چیز ضرورت دارد، پژوهش‌هایی که امروزه صورت می‌گیرد و در قالب پروژه تعریف می‌شود، مورد دقت قرار گیرد. معمولاً هر پروژه‌ی تحقیق می‌تواند، بررسی یک مسئله و ارائه‌ی راه‌حل برای آن باشد که به «پژوهش کاربردی» معروف است. از سوی دیگر، هر پروژه‌ی تحقیق می‌تواند به شکل گردآوری مجموعه اطلاعات، پیرامون یک موضوع باشد. در این صورت، اصطلاحاً به آن «پژوهش بنیادی» گفته می‌شود.

آنچه در این مقاله قصد انشای آن را داریم، اجرای پروژه‌ی پژوهشی و تحقیقی نیست که با بیان مسئله آغاز می‌شود و به ترتیب به طراحی مدل پژوهش، تدوین فرضیه، تصمیم‌گیری برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز و ثبت آن‌ها، تجزیه و تحلیل داده‌ها، آزمون فرضیه‌ها، و بالاخره ارزیابی نتایج و تصمیم‌گیری برای قبول یا رد فرضیه ختم می‌شود، بلکه به صورت راهبردی، گام‌هایی را بیان می‌کنیم که معلم می‌تواند در کلاس طرح کند و سپس با نظارت و هدایت خود، فراگیرندگان را با یک پژوهش و تحقیق ساده‌ی دانش‌آموزی آشنا سازد.

انجام گام‌به‌گام چنین پژوهش‌هایی، زمینه‌ی مناسبی خواهد بود تا آنان را در دوره‌های بعدی تحصیلی و دانشگاهی، برای اجرای پروژه‌های تحقیقی آماده سازد.

امروزه تغییر نگرشی که در آموزش و فرایند یاددهی-یادگیری در کلاس برای معلمان رخ داده است، آنان را از روش‌های تدریس سنتی غیرفعال دور و به روش‌های فعال در تدریس نزدیک کرده است. این وضعیت سبب شده است، روحیه‌ی جست‌وجوگری، پرس‌وجو و پژوهش در دانش‌آموزان ما کم‌کم زنده شود.

در روش تدریس سنتی، سعی بر آن بود که معلمان و همکاران اهداف درس را مستقیماً در اختیار دانش‌آموزان قرار دهند. و معلم خوب کسی بود که همه‌ی زوایای تاریک درس و هدف‌های دانشی، مهارتی و نگرشی محتوای درس را روشن می‌ساخت و آموزش می‌داد. دانش‌آموزان نیز به صورت منفعل، تنها شنونده، حفظ‌کننده و یادداشت‌کننده‌ی مطالب درس بودند. حتی این شیوه به دانشگاه‌های ما نیز رسوخ کرده است. لیکن در حال حاضر، معلمان علاقه‌مند سعی دارند که اهداف مهم درس را به گونه‌ای به صورت سؤال درآورند و یک‌به‌یک سؤالات هدف‌مندی را در حول و حوش اهداف محتوای درسی در کلاس مطرح کنند. در این صورت، دانش‌آموزان نیز در فضایی چالش‌برانگیز قرار

منصور ملک‌عباسی

پژوهش و پژوهش‌های دانش‌آموزی

می‌گیرند و با بحث و گفت‌وگو و اظهار نظر، همراه با هدایت‌های معلم، به اهداف درس نزدیک می‌شوند.

طرح این سؤالات و بیان یک سلسله مسئله در کلاس درس، کم‌کم ذهن دانش‌آموز را به تفکر، نظریه دادن، بازخورد گرفتن، استدلال، تعمیم و نتیجه‌گیری عادت می‌دهد. همین موضوع، کم‌کم روحیه‌ی پژوهشگری را در او پرورش می‌دهد. به کارگیری روش‌های تدریس فعال که به شیوه‌های متنوع پرسش و پاسخ، بارش ذهنی، بحث‌های گروهی و غیره در کلاس رخ می‌دهد، زمینه‌ی ارائه‌ی موضوعاتی را برای انجام تحقیق و پژوهش‌های دانش‌آموزی در کلاس فراهم کرده است.

با این مقدمه می‌پردازیم به بیان مراحل انجام پژوهش‌های کلاسی که امروزه به صورت ناقص در برخی مدارس رایج شده است. به این شکل که دانش‌آموزان را با یک یا چند موضوع تحقیق روبه‌رو و سپس متأسفانه آنان را رها می‌کنند. طبیعی است، دانش‌آموزان نیز ساده‌ترین راه را برمی‌گزینند. از روی یک کتاب کپی می‌کنند یا در نهایت با مراجعه به یک سایت و سامانه‌ی اینترنتی، جزوه‌ای را آماده می‌کنند و تحویل معلم می‌دهند که این کار بیشتر به نوعی رفع تکلیف شبیه است.

اما انجام پژوهش و تحقیق کلاسی هدفمند، مراجلی دارد که ضروری می‌نماید همکاران معلم آن‌ها را در یک جلسه توضیح دهند

و در طول انجام تحقیق نیز کار نظارت و هدایت دانش‌آموزان را پی‌گیری کنند. این گام‌ها عبارت‌اند از:

۱. انتخاب موضوع تحقیق؛ ۲. تدوین سرفصل‌ها؛ ۳. جمع‌آوری اطلاعات؛ ۴. کدگذاری؛ ۵. سازمان‌دهی و ارائه‌ی تحقیق.

گام اول، انتخاب موضوع

در این مرحله و در جلسه‌ی توجیهی، معلم موضوعاتی را که در زمینه‌ی تدریس مربوط به خود (مثلاً ریاضی، جغرافیا و یا علوم) می‌توانند قابل تحقیق باشند، ارائه می‌کند. هر دانش‌آموز یا گروه دانش‌آموزی اختیار دارد یکی از موضوعات مورد نظر اعلام شده را انتخاب کند. موضوع می‌تواند از سوی معلم پیشنهاد شود. یا خود دانش‌آموزان با توجه به محتوای درس آن را انتخاب کنند.

گام دوم، تدوین سرفصل‌ها

در جلسه‌ی توجیهی ضرورت دارد، دبیر محترم پس از اعلام عناوین و موضوعات تحقیق، به آن‌ها کمک کند تا بتوانند متناسب با عنوان تحقیق، عنوان‌های فرعی و سرفصل‌هایی را تعیین کنند و بنویسند.



مثلاً برای موضوع تحقیقی در جغرافیا با عنوان: «ماهی گیری در ایران و جهان»، می‌توان چنین سرفصل‌هایی را در نظر گرفت: الف) تعریف ماهی‌گیری؛ ب) تاریخچه‌ی ماهی‌گیری؛ ج) ماهی‌گیری در کنار رود و دریا؛ د) ماهی‌گیری در ایران؛ ه) انواع ماهی‌گیری؛ و) نقش ماهی در تغذیه‌ی انسان؛ ز) ماهی‌های حلال؛ ح) نتیجه‌گیری؛ ط) منابع و مآخذ؛ ی) تقدیر و تشکر^۱.

گام سوم، جمع‌آوری اطلاعات

در این مرحله که با توضیحات معلم در جلسه‌ی توجیهی بهتر تبیین می‌شود، راه‌های کسب اطلاعات و جمع‌آوری مطالب و منابع برای تحقیق دانش‌آموزی مطرح می‌شود. برای مثال: گفت‌وگو با افراد خانواده یا فامیل؛ کتاب‌خانه‌های اطراف منزل یا مدرسه؛ مصاحبه و تکمیل پرسش‌نامه؛ وسایل ارتباط جمعی؛ سفر، بازدید و تجربیات شخصی؛ اینترنت؛ شماره تلفن ۱۱۸.

توضیح این گام چنین است: دانش‌آموزان می‌توانند درباره‌ی موضوع انتخابی، از افراد خانواده و یا برخی از اعضای فامیل خود اطلاعات مناسبی را کسب کنند. مثلاً در مورد همان موضوع ماهی‌گیری، اگر عمومی یکی از دانش‌آموزان در اداره‌ی شیلات کار می‌کند، او می‌تواند یک منبع اطلاعات فرض شود. کتاب‌خانه‌ی مدرسه، مسجد محل، کانون پرورش فکری و یا کتاب‌خانه‌ی فرهنگ‌سرای نزدیک مدرسه نیز منابع خوبی هستند. گاهی شخص تحقیق‌کننده، سؤالاتی را تنظیم می‌کند و از افراد مطلع می‌پرسد (پرسش‌نامه).

تجربیات شخصی دانش‌آموزان در سفرها و یا بازدیدهای علمی، خود منبعی برای اطلاعات هستند. امروزه اینترنت نیز به کمک موتورهای جست‌وجو و دادن عنوان موضوع تحقیق و یا کلیدواژه‌های مربوط می‌تواند منابع تصویری، نقشه، نمودار و متن‌هایی را در اختیار بگذارد. به هر حال، در مدتی که دانش‌آموز سرگرم تحقیق است، هر اتفاقی در ارتباط با موضوع تحقیق، می‌تواند ذهن او را برانگیزاند.

تلفن ۱۱۸ چه‌طور؟ مثلاً برای جمع‌آوری اطلاعاتی در مورد همان موضوع شیلات و ماهی‌گیری، می‌توان از طریق تلفن مذکور، نشانی یا تلفن اداره‌ی شیلات را به‌دست آورد و با یکی از متخصصان و کارشناسان آن اداره، حضوری و یا غیرحضوری سؤالاتی را مطرح و پاسخ‌هایی را دریافت کرد. معمولاً پژوهشگر با معرفی خود و هدف خود و یا با ارائه‌ی معرفی‌نامه‌ای از سوی مدرسه، می‌تواند به بروشورها، مجلات و سی‌دی‌های تهیه‌شده در آن مؤسسه دست یابد.

گام چهارم، کدگذاری

معلم در جلسه‌ی توجیهی این نکته را هم بازگو می‌کند که شما در مرحله‌ی جمع‌آوری اطلاعات از منابع گوناگون، بالاخره به دهه‌ها متن، فتوکپی، یادداشت، عکس، سی‌دی، نقشه، نمودار، بریده‌ی روزنامه و پرینت‌های رایانه‌ای روبه‌رو هستید که از مرحله‌ی سوم به‌دست آمده‌اند. اگر

این مجموعه اطلاعات را سامان‌دهی نکنید، با مشکل روبه‌رو خواهید شد. بدین‌منظور لازم است، هم‌زمان و یا از قبل، به هر عنوان و سرفصل تدوین شده (در مرحله‌ی دوم) یک کد داده شود. باز به همان موضوع و سرفصل‌های ماهی‌گیری اشاره می‌کنیم. عنوان‌ها را به این صورت کدگذاری می‌کنیم: تعریف ماهی‌گیری کد «۱»، تاریخچه‌ی ماهی‌گیری «۲»، ماهی‌گیری در کنار رود و دریا «۳» و تا آخر. به منابع و مآخذ هم کد «۹» می‌دهیم. حال با توجه به مدارک و منابعی که جمع کرده‌ایم، به هر سند کد مربوطه را می‌دهیم و آن را در پوشه‌ای می‌گذاریم.

گام پنجم: سازمان‌دهی و ارائه

در جلسه‌ی توجیهی، در بسط و شرح این گام، معلم محترم توضیح می‌دهد که معمولاً دانش‌آموزان علاقه‌مندند تحقیق خود را به‌صورت جزوهای چندین صفحه‌ای سامان‌دهی و ارائه کنند. لیکن پژوهشگر حق دارد، مطالب جمع‌آوری شده‌ی خود را به هر شکلی که مایل است، ارائه دهد؛ به‌صورت جزوهای مکتوب، دست‌نویس و یا حروف‌چینی رایانه‌ای. محتوای آن نیز معمولاً با نام خدا آغاز می‌شود. بعد فهرست مطالب و مقدمه می‌آید و پس از آن، مطالب به‌صورت پی‌درپی براساس سرفصل‌ها تنظیم می‌شوند. در آخر هم بعد از نتیجه‌گیری، منابع می‌آید و بالاخره با تقدیر و تشکر از همه‌ی کسانی که محقق را در تأمین مطالب و اطلاعات یاری داده‌اند، به پایان می‌رسد. ولی این تحقیق می‌تواند غیر از شکل مکتوب، به‌صورت‌هایی مثل: کنفرانس یا میزگرد علمی در کلاس؛ نوار ویدیویی، نوار کاست، مجموعه آلبوم تصویری همراه با توضیحات، تهیه‌ی لوح‌فشرده یا استفاده از نرم‌افزارهای Word، Aniyman، Power Point و... و یا مجموعه‌ی چند فلای و بالاخره به‌صورت تلفیقی از این موارد ارائه شود.

چند تذکر

برای چنین پژوهش‌هایی ضرورت دارد، از یک تا چندماه به دانش‌آموزان فرصت داده شود که به‌صورت فردی یا گروهی، کار تحقیق را زیر نظر و راهنمایی‌های معلم انجام دهند. البته اگر تعطیلات نوروز در بین این فرصت تحقیق باشد (نوبت دوم سال) بهتر است، معلم می‌تواند در ارزیابی نهایی دقت، زیبایی، اعتبار علمی، استفاده از منابع متعدد و متنوع را نیز ملاک قرار دهد. البته ملاک‌های ارزیابی از قبل باید به دانش‌آموزان اعلام شده باشند. آیا ارزش چنین تحقیقاتی را که یک تولید محسوب می‌شود و باعث ایجاد خودباوری و اعتمادبه‌نفس دانش‌آموز می‌شود، می‌توان با نمره مشخص کرد؟

پی‌نوشت

۱. بدیهی است، هر تحقیق باید بخشی از مطالب خود را به نتیجه‌گیری و پیشنهاد، منابع و مآخذ و تقدیر از کسانی که پژوهشگر را در تأمین منابع و اطلاعات یاری داده‌اند، اختصاص دهد.

منابع

۱. اتحادیه‌ی بین‌المللی جغرافیا (IGU)، منشور بین‌المللی آموزش جغرافیا، ترجمه‌ی ناهید فلاحیان، مجله‌ی رشد آموزش جغرافیا، شماره‌ی ۴۰، ۱۳۷۶.
۲. پوراحمد، احمد، قلمرو و فلسفه‌ی جغرافیا، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.

شما در رویارویی با این مسئله چه می‌کنید؟ چرا؟



عکاس: فلیپه رجبی

نیکو منفرد

تفسیر من از من

من: خجالت نمی‌کشی با این سر و ریخت، عروسی بستگان تشریف آوردی.
 من: تو دختر خیلی خوب و باهوشی هستی. به همین دلیل می‌خواهی زیباتر باشی. من هم زیبایی را دوست دارم. اما آرایش باید مناسب زمان، مکان و قانون باشد. دوست دارم به قانون مدرسه احترام بگذارم.
 من: فردا با پدر و مادرت بیا تا پرونده‌ات را بزنیم زیر بغلت!
 من: (با فریاد) اخراجی‌یی‌یی از جلوی چشمم دور شو!

با انتخاب یکی از گزینه‌ها و یا طرح پاسخ خود با ذکر دلیل، نظراتان را به دفتر مجله ارسال کنید.

محل زندگی من

دکتر ناهید فلاحیان

عضو هیئت علمی و مسئول گروه مطالعات اجتماعی دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی

رشد آموزش راهنمایی تحصیلی

اشاره

ضرورت شناخت محله و منطقه‌ای که دانش‌آموزان در آن زندگی می‌کنند^۱ بر همگان روشن است و همواره از سوی مربیان یا والدین نیز مطرح و بر آن تأکید می‌شود. شناخت مکانی که دانش‌آموز در آن زندگی می‌کند، از ابعاد گوناگون اهمیت دارد. پرورش احساس تعلق به مکان، هویت‌یابی، حساس کردن دانش‌آموزان به مسائل محیط زندگی، کسب مهارت‌های اجتماعی و مهارت‌های زندگی که در خلال برقراری روابط میان مردم یک منطقه پرورش می‌یابد، حس مشارکت‌جویی، همبستگی و تلاش برای ارائه‌ی راه‌حل مسائل منطقه، از جمله مهم‌ترین این ضرورت‌ها هستند.

در برنامه‌ریزی‌های درسی، عموماً از الگویی به نام «الگوی محیط‌های توسعه‌یابنده» یاد می‌شود که در اولین حلقه یا هسته‌ی مرکزی آن، خانه و سپس محله قرار دارد. حوزه‌ی «مطالعات اجتماعی» به‌ویژه درس جغرافیا، قابلیت‌های ویژه‌ای برای شناساندن محل زندگی دانش‌آموز به وی دارد. در این زمینه، مهارت‌های کاوشگری جغرافیایی کاربرد می‌یابند.

نقش معلم

گاه مشاهده می‌شود که مردم یا معلمان یک منطقه انتظار دارند، کتاب درسی به معرفی مستقیم همه‌ی نواحی و از جمله محل زندگی آن‌ها بپردازند. آن‌ها با ملاحظه‌ی توضیحات یا تصاویر محصولات، بناها، منابع انرژی و یا ویژگی‌های یک استان در کتاب درسی، خواهان درج اطلاعات مربوط به استان محل زندگی خود و افزایش مطالب کتاب می‌شوند. بدیهی است، این انتظار به‌ویژه در کشورهایی که سیستم متمرکز آموزشی دارند، به‌جا و امکان‌پذیر نیست. به‌علاوه، اصولاً بسط، تعمیم و کاربرد آموزش‌های کلی در مقیاس‌های فضایی کوچک‌تر برعهده‌ی معلم است و کتاب درسی تنها می‌تواند الگوها و نمونه‌ها را بیان کند. به منظور شناساندن منطقه‌ی زندگی، می‌توان به روش‌های متفاوت عمل کرد. ممکن است معلم «پروژه‌ای» را برای اجرا در طی نیم‌سال یا ترم پیشنهاد کند و یا متناسب با دروس گوناگون، برای هر جلسه فعالیت‌هایی را تدارک ببیند. البته بهتر است معلم روش‌های ارائه، مثل گزارش‌نویسی، روزنامه‌دیواری، سمینار و... را نیز به دانش‌آموزان یاد بدهد.

در راستای نقش اساسی معلم در این موضوع، باید دو نکته را متذکر شد: اول آن که معلم باید خودش از ویژگی‌های جغرافیایی منطقه‌ای که در آن زندگی می‌کند، شناخت روشن و کافی داشته باشد. دوم آن که در این فرایند، اگرچه دانش‌آموزان به پژوهشگری دست می‌زنند، اما این امر معلم را از وظیفه و مسئولیت سنگین خود فارغ نمی‌کند. در این فرایند، معلم باید

وظیفه‌ی هدایت گام‌به‌گام دانش‌آموزان و حمایت کافی از آن‌ها را به‌عهده بگیرد.

برعهده‌ی معلم است که از قبل، منابعی چون نقشه‌ی محله، فهرست اماکن تاریخی - فرهنگی محله، آلبوم‌های عکس و اسلاید، روزنامه‌ها و مجلات محلی، سال‌نامه‌های آماری، کتاب‌های مرتبط با ویژگی‌های جغرافیایی منطقه، فهرستی از نام و نشانی افراد محلی که بنابر موقعیت حرفه‌ای خود، اطلاعات خاصی از مسائل آن منطقه دارند و نظایر آن، فراهم کند.

ابعاد گوناگون کاوشگری در محله و مراحل کار

موقعیت مکانی: فرایند کاوشگری در شناخت محله، با کلمه‌ی کجا آغاز می‌شود. ابتدا باید تعریف کنیم در کجا هستیم و مقیاسی برای آن در نظر بگیریم. وقتی می‌گوییم محل زندگی من کجاست، با موقعیت مکانی^۲ سروکار داریم. دانش‌آموز باید بداند که در یک شهر یا روستا، در مرکز شهر یا حومه، در ناحیه‌ای ساحلی یا مرتفع، در روستایی جنگلی یا پای‌کوهی و... زندگی می‌کند. بهترین و صحیح‌ترین روش در این زمینه، آموزش با «نقشه» است. نقشه‌ای که به خوبی و متناسب با درک مخاطبان، موقعیت مکانی آن‌ها را نشان بدهد. نقشه‌های محلی را می‌توان از منابع گوناگون مثل اطلس، ادارات محلی، بروشورهای گردشگری یا دان‌لود از اینترنت، تهیه کرد.

خوش‌بختانه در سال‌های اخیر، مؤسسات تولید نقشه در کشور ما، نقشه‌هایی در مقیاس استان، شهرستان و شهرها تولید کرده‌اند. اگر نقشه‌ها شلوغ باشند، باید توسط معلم باز تولید شوند و معلم بنابر اهداف آموزشی خود، اطلاعات جنبی را حذف و به عبارتی نقشه را خلاصه کند.^۳

از دانش‌آموزان می‌خواهیم که مکان‌های نزدیک و هم‌چنین عوارض طبیعی نزدیک به شهر یا روستای محل زندگی‌شان مثل کوه، دریا، جلگه و رود را با ذکر جهت‌های جغرافیایی، روی نقشه معین کنند. البته مختصات جغرافیایی که موقعیت دقیق مکان‌ها روی طول و عرض جغرافیایی است، یکی از راه‌های دقیق پاسخ‌گویی به این سؤال است که می‌تواند روی نقشه آموزش داده و معنا و مفهوم آن نیز تبیین شود. همه‌ی ما نقشه‌های ذهنی در مقیاس‌های متفاوت داریم. این نقشه‌ها ممکن است غلط یا ناقص و درهم و برهم باشند. لازمه‌ی درک



صحیح فضایی از موقعیت مکانی که در آن زندگی می‌کنیم، بر خورداری از آموزش صحیح نقشه است.

سیستم‌های محیطی: کاوش درباره‌ی ناهمواری‌ها، آب‌وهوای محلی، شناخت منابع منطقه شامل آب، خاک، محیط، منابع معدنی، پوشش گیاهی و جانوری، گردآوری داده‌ها در این زمینه، شناسایی اداراتی که مسئول این منابع هستند، و اثرات منابع بر نوع مسکن، اشتغال، غذا و شیوه‌های زندگی مردم محل، مرحله‌ی دیگری از کار است.

برای هر یک از منابع می‌توانیم، زیرمجموعه‌هایی را تعریف کنیم و از دانش‌آموزان بخواهیم اطلاعات جزئی و مفصل‌تری درباره‌ی آن گردآوری کنند.

ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی: تعداد جمعیت، گروه‌های قومی و نژادی، مشاغل محله، سطح مهارت‌ها، و غذاهای محلی، جشن‌ها و رسوم، و نهادهای فرهنگی، چون مسجدها، پارک‌ها، مراکز ورزشی و فرهنگ‌سراها، بخش دیگری از موضوعاتی است که باید شناسانده شوند.

سیستم‌های حمل‌ونقل: شبکه‌ی راه‌های منطقه، وسایل نقلیه‌ی عمومی و ایستگاه‌های آن‌ها، هزینه‌های حمل‌ونقل عمومی و خصوصی بودن آن‌ها، بخش دیگری از این کاوشگری است.

سیستم‌های اقتصادی: مغازه‌ها، بانک‌ها، رستوران‌ها، و مراکز خدماتی و تجاری که در هر محله وجود دارند، از ابعاد مهم دیگر شناسایی منطقه است.

جغرافیای تاریخی: جغرافیای تاریخی سکونتگاه یا منطقه‌ی زندگی، از جالب‌ترین ابعاد این شناسایی است. در این زمینه، مصاحبه با افراد کهنسال منطقه، مراجعه به آرشیوهای ادارات، بناهای تاریخی، موزه‌های محلی، گورستان‌ها و... منابع مفیدی برای کاوشگری دانش‌آموزان محسوب می‌شوند.

برای مثال، مصاحبه با فردی که بیش از سی سال در یک منطقه زندگی کرده و یا به شغل خاصی اشتغال داشته، بسیار مفید است. می‌توان از او پرسید، مدارس چه تغییری کرده‌اند؟ مغازه‌ها و نحوه‌ی خرید و فروش در آن زمان چه‌طور بود؟ در کسب چه تغییراتی پدید آمده است؟ از سال‌های مدرسه‌ی خودشان چه مواردی را به یاد می‌آورند و...

مراکز تصمیم‌گیرنده و ادارات محلی: برای دانش‌آموزان لازم است که نهادهای سیاسی - اجتماعی و

ادارات محل زندگی خود مثل شهرداری، پلیس و آتش‌نشانی را بشناسند و با وظایف و عملکرد آن‌ها آشنا شوند. یکی از راه‌های این شناسایی می‌تواند دعوت از افراد و مسئولان این نهادها به کلاس و طرح سؤالات از پیش تعیین شده توسط دانش‌آموزان باشد.

معلم می‌تواند با گردآوری عکس‌ها و اسلایدهایی از محل زندگی دانش‌آموزان و توزیع آن‌ها در کلاس، از دانش‌آموزان بخواهد پدیده‌های طبیعی و ساخته‌ی دست انسان را در محیط شناسایی و برچسب‌گذاری کنند. این کار موجب می‌شود، بچه‌ها چشم‌اندازی از منطقه‌ی زندگی خود کسب کنند. سپس از دانش‌آموزان می‌خواهیم که همان پدیده‌ها را روی نقشه علامت بگذارند. برگزاری یک تور یا بازدید علمی پیاده یا با اتوبوس، معین کردن مسیرها روی نقشه، معین کردن کاربری‌ها (کارخانه، منزل مسکونی، مغازه، زمین کشاورزی و...) روی نقشه توسط دانش‌آموزان و پر کردن فرم‌های ثبت مشاهدات توسط آن‌ها، از مراحل مفید و جذاب کار است. می‌توانیم از دانش‌آموزان بخواهیم، یک نقشه‌ی مسطح یا نقشه‌ی تصویری^۱ از محل زندگی‌شان تهیه و عوارض و بناهای مهم را روی آن نقاشی و رنگ‌آمیزی کنند.

پرسش‌های کلیدی

از آن‌چه گفته شد، چنین برمی‌آید که برای شناخت محله با رویکرد کاوشگری، نخست طرح سؤالات کلیدی لازم است. اولین پرسش «کجا» است. پرسش‌های دیگر عبارت‌اند از: چه، (مثل کدام عوارض فرهنگی، طبیعی، محیطی، و مسائل و مشکلات که مردم منطقه با آن روبه‌رو هستند)، چرا، و چه‌طور، (مثل اثرات و پیامدهای توسعه‌ی حمل‌ونقل بر محیط زندگی، علت آلودگی محیطی در منطقه و...)، چه کسانی مسئول هستند و وظیفه‌ی ما چیست؟ در هر صورت، پرسش‌های «بهتر بود چه می‌شد؟» و یا «فلان مسئله‌ی اجتماعی یا محیطی را در محل زندگی‌مان چه‌طور می‌توانیم حل کنیم؟» برای برانگیختن دانش‌آموزان و حساس کردن آن‌ها و هم‌چنین پرورش مهارت‌های تصمیم‌گیری و حل مسئله لازم است و بهتر است که کار هر کاوشگری به این نقطه بینجامد.

پی‌نوشت

1. Local Area
2. Location
3. Teacher prepared map
4. Picture map

منابع

۱. شایان، سیاوش. درباره‌ی آموزش جغرافیا. انتشارات مدرسه. ۱۳۸۴.
۲. اتحادیه‌ی بین‌المللی جغرافیا (IGU). منشور بین‌المللی آموزش جغرافیا. ترجمه‌ی ناهید فلاحیان. مجله‌ی رشد آموزش جغرافیا. شماره‌ی ۴۰. ۱۳۷۶.
3. fazio mike etal (2004) society and Environment for Western Australia
- (1) John wiley & Sons, Australia LTD.



مدارس غیر دولتی شمال شهر و از دبستان تا دبیرستان و حتی دانشگاه.

علاوه بر این که این مسئله، موضوع ثابت حرف‌ها و گلایه‌های همیشگی معلمان در همه‌جا، از جمله در دفتر مدارس است، «اقرار» به این گناه، در شرایط خاصی به طور مشخص بروز می‌کند و آن زمانی است که صحبت از ضرورت تغییر، تحول، نوآوری و این قبیل حرف‌ها باشد. معمولاً مرتکبان گناه بی‌پولی، این نوع حرف‌ها را (به حق) از نوع «نفسی» می‌دانند که «از جای گرم بیرون می‌آید» و جواب آماده‌ای برای آن‌ها دارند: «با این حقوق‌ها انتظار دارید...؟»

تحول نیازمند تأمل، وقت، تمرکز، مطالعه، توجه و دغدغه داشتن است و نیازمند این که «فکر و ذکر» به کار معطوف باشد و لازمه‌ی همه‌ی این‌ها، حد معقولی از تأمین و تمکن و رهایی از فشارهای روزمره‌ی زندگی است. از این رو، بدون توبه، از این اولین گناه، معلم در حد همان تصویر آشنای «معلمی که می‌سوزد»، باقی می‌ماند و نمی‌توان از او انتظار کسی را که «روشنی می‌بخشد»، داشت.

دومین گناه بزرگ، معلم زدگی، عبارت است از همان که بزرگ‌ترین وظیفه‌ی معلمان شمرده می‌شود. انتقال دانش، فهماندن مطالب، ارائه‌ی درس، یاد دادن و درس دادن، همه عبارات رایجی هستند که جزء لاینفک و بلکه اصل اساسی کار معلمی به حساب می‌آیند. با این حال، این عبارات رایج در «زبان معلمی» که برخاسته از «ذهن معلم‌زده» هستند، بر این فرض ناصواب استوارند که معلم باید انبانی

در ادامه‌ی مطلب شماره‌ی قبل درباره‌ی «معلم‌زدایی»، در این شماره به سه مورد از هفت گناه «معلم زدگی» می‌پردازیم که باید از آن‌ها دوری کرد.

اولین و شاید بزرگ‌ترین آن‌ها در جامعه‌ی ما، عدم تمکن مالی قابل توجه یا به زبان ساده‌تر همان «بی‌پولی» است. ارتکاب این گناه صعب، لااقل براساس تجربیات شخصی که داشته‌ام، تقریباً در تمامی سطوح و تمامی محیط‌های «معلم‌زده»، به صورتی کم و بیش یکسان به چشم می‌آید. در صورتی که کسی صرفاً معلم باشد، صرف‌نظر از سطح آموزشی و موقعیت جغرافیایی و اجتماعی محل تدریس، عمدتاً به این امر دچار است: از حاشیه‌ای‌ترین مدارس جنوب شرق تهران تا لوکس‌ترین



از دانش را که خود اندوخته است، به ذهن خالی دانش‌آموزان منتقل کند تا «مغزی‌پر» از علم و دانش حاصل شود. هرچند در سال‌های اخیر «توبه فرمایان» از این گناه بر طبل فراگیری مشارکتی و یادگیری فعال و امثال این‌ها بسیار کوفته‌اند، آن‌چه در بازار معلمی (حتی از نوع «متعهد» آن) همچنان رایج است، این نگاه است که معلم خوب یعنی کسی که علاوه بر «سواد»، توانایی «انتقال» مطلب را نیز داشته باشد. از جمله مسائلی که عمق و گستردگی این ذهنیت را به‌خوبی نمایش می‌گذارد، کاربرد فناوری‌های جدید در آموزش و یادگیری است. از بین تمام ابعاد این فناوری‌ها، دو کاربرد خاص، در آموزش و یادگیری نمود بیشتری یافته‌اند و با تأکید بسیار بیشتری به آن‌ها پرداخته می‌شود: یکی Power Point، که کارکرد اصلی آن «ارائه» است، و دیگری «شبکه‌های اطلاعاتی» که حجم عظیمی از مطالب را «انتقال» و «ارائه» می‌دهند.

گناه درس دادن با هدف انباشتن «ذهن‌های خالی» با «علم ذی‌قیمت» نه تنها قبیح به‌شمار نمی‌آید، بلکه موجب مباحثات بسیاری از معلمان و «معلم زدگان» نیز هست. آن‌چه به عقوبت این گناه مغفول می‌ماند، این است که یاد گرفتن برای زندگی کردن انسانی‌تر، بسیار مهم‌تر از درس دادن است و «کشف بینش» و آگاهی بسیار فراتر از «کسب دانش».

گناه سوم که آن‌هم از اجزای اصلی معلمی انگاشته می‌شود، ارزش‌یابی و یا همان امتحان گرفتن و نمره دادن است. زمانی

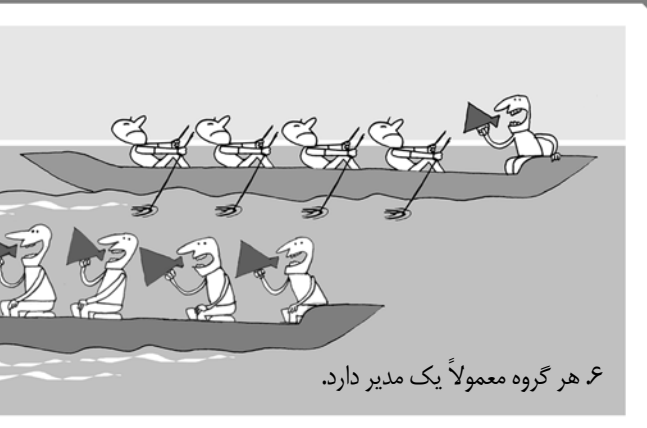
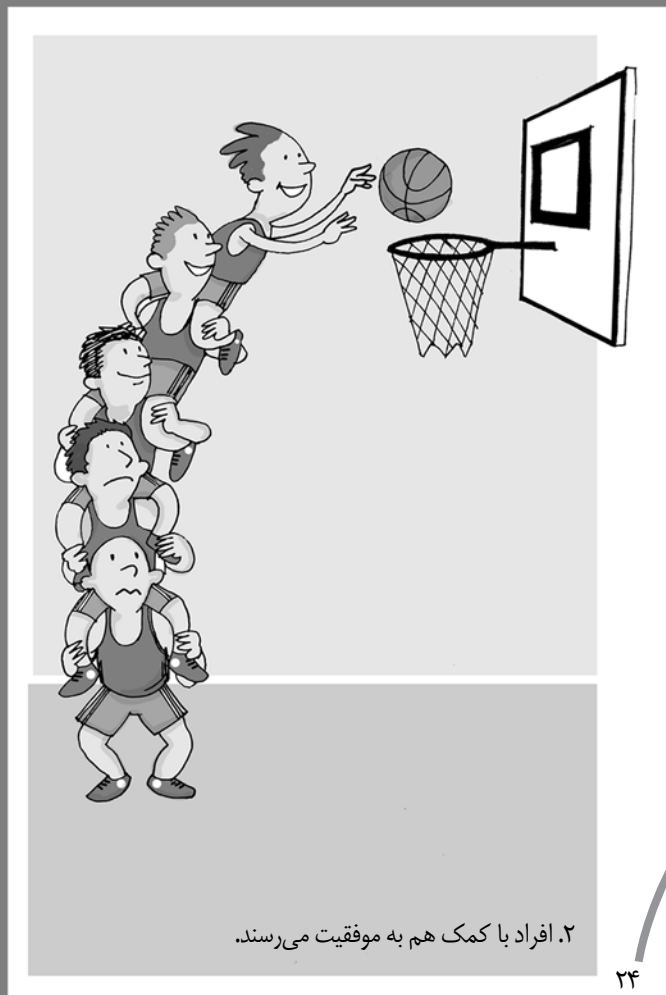
در نوشته‌ای، نظام امتحانی رایج را با داستان صاحب‌خانه‌ای مقایسه کرده بودم که به اصرار از مهمانان خود می‌خواست که مدتی با او بمانند و پذیرایی گرمی از آن‌ها می‌کرد. ولی شب هنگام که مهمانان به خواب می‌رفتند، آن‌هایی را که قدشان از تخت خواب کوتاه‌تر بود، آن‌قدر می‌کشید تا به اندازه‌ی تخت در آیند و پای کسانی را که از تخت بلندتر بودند نیز می‌برید تا با «معیار» تخت او یکسان شوند.

آموزش و ارزیابی معلم‌زده نیز معیارهایی این‌چنین بی‌مناسبت دارد. گناه این ارزش‌یابی‌ها در این است که همه‌ی خلائق را با معیارهایی که معلوم نیست از کجا نازل شده‌اند، می‌سنجد و همه باید منطبق با آن معیارها باشند. در ذهن، زبان و به‌طور کلی نظام آموزشی معلم‌زده، بیشتر از ۲۰ ممکن نیست و کمتر از ۲۰ هم مطلوب نیست.

در فضایی که معلم‌زدگی در اساس و «پای‌بست» آن به‌صورت پایدار ریشه دوانده و تغییرات تنها به ظواهر و «نقش ایوان» معطوف است، شعارهای تازه رواج‌یافته درباره‌ی ارزش‌یابی کیفی و «کارنما» به‌جای کارنامه و از این دست حرف‌ها نیز معمولاً از حد لقلقه‌ی زبان فراتر نمی‌روند. حتی اگر عدد و رقم نیز به ظاهر حذف شوند، ذهن معلم‌زده بدون نگاه نمره‌ای و بدون تفکیک ضعیف و قوی، عالی و خوب، متوسط و ضعیف، و موفق و ناموفق، قادر به ادامه‌ی حیات نیست. در شماره‌ی آینده به چهار گناه «هدایتگری و الگو بودن»، «بی‌ربط بودن به زندگی»، «جامعه‌پذیری»، و «دانش آموز نبودن» پرداخته می‌شود که مکمل معلم‌زدگی در دامنه‌ای فراتر از مدرسه هستند.

سید عبدالحمید میر حسینی

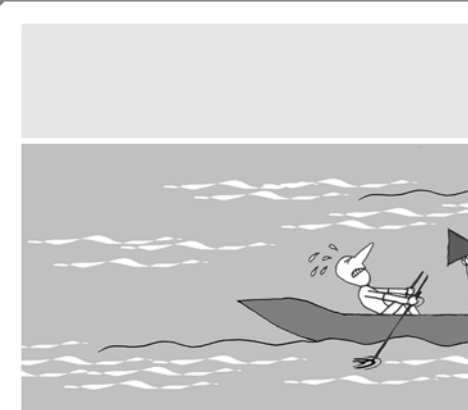
کارنمای معلمی





خصوصیات یک تیم موفق

تصویر ساز: مهدی رضائیان



فضای تفکرو

کلید واژه‌ها: کمال، تفکر، انتخاب.

اشاره

در شماره‌ی پیش، با طرح نقش محیط در فرایند کمال، بحث وارد عرصه‌ی تعلیم و تربیت شد. با مرور نتایج بحث‌های گذشته، می‌کوشیم زمینه‌ی ورود عمیق‌تر به بحث مدرسه را ایجاد کنیم.

نتایج بحث‌های گذشته این بود که انسان سه نیرو دارد:

۱. تعقل (تفکر و تحلیل)

۲. اختیار (آزادی انتخاب)

۳. کشش درونی به سمت کمال خود

تحلیل قبلی نشان داد، به نظر می‌رسد روان‌شناسی جدید و احتمالاً آموزه‌های دینی - هر دو - بر آن هستند که در تقدیر هر انسانی است که خود سرنوشتش را تعیین کند (آزادی انتخاب) و برای آن که بتواند بهترین انتخاب را کند و نسبت به این انتخاب مسئول باشد، در او کشش به سمت خیر و کمال خود گذاشته شده است؛ اگرچه او مجبور به پیروی از آن نیست، بلکه مختار است که آن را برگزیند یا برگزیند. برای این که بتواند این کشش را درک و تحلیل کند و از آن نتیجه بگیرد، نیروی تفکر و تعقل به وی اعطا شده است. پس ابزارهای رسیدن به کمال، برای هر فردی فراهم است.

مسیر کمال

مسیر کمال بدان معنی نیست که همه باید مسیر واحدی را طی کنند. کمال هر فرد با دیگری متفاوت است و مجموعه‌ی بسیار وسیعی از انتخاب‌ها وجود دارد که در طیف

عکاس: طیبه رحیمی

تحلیل

بخوان، فکر کن، تغییر بده!

دکتر یدالله سعیدنیا

دکترای تعلیم و تربیت

● کمال هر فرد
با دیگری متفاوت
است

● هوش از تولد
تا نوجوانی در
حال رشد است
و سپس متوقف
می شود

قابل حذف نیست، بلکه بسیار اساسی است. این نقش به طور خلاصه عبارت است از کمک به فرد برای آن که بتواند از نیروهای درون خود بهتر استفاده کند.

به طور خلاصه، در هر یک از سه نیروی درون، نقش محیط چنین است:

۱. در آزادی انتخاب، برداشتن همه‌ی موانع محدودکننده‌ی آزادی انتخاب و ایجاد فضایی برای انتخاب واقعاً آزادانه و به دور از فشارهای آشکار و پنهان مطرح می شود.

۲. در ارتباط با نیروی فطرت، نقش محیط عبارت است از: فراهم کردن نیازهای انسان و وارد نیلورتن فشار بر این تمایلات در جهت خاص و وابسته نکردن ارضای نیازهای اساسی فرد به جهت گیری های خاص؛

۳. درباره‌ی تعقل، تفکر و تحلیل نیز فراهم کردن زمینه‌ی پرورش تعقل و تفکر با ایجاد فضا و امکاناتی که تفکر و تحلیل در آن تمرین و تقویت شود و دادن اطلاعات صحیح، کامل، همه جانبه و به دور از ارزش گذاری های یک طرفه به فرد مورد نظر است.

با تلاش برای تبیین موارد بالا، به تدریج بحث نقش مدرسه مطرح می شود. اکنون با فرض این که نتایج گرفته شده مورد قبول قرار گرفته اند می توان بحث را در فضایی ملموس تر و با بیانی ساده تر پی گرفت. اگرچه در محیط خانواده ممکن است هر یک از موارد بالا دچار آسیب هایی شود و می توان در یک بحث مستقل به آسیب شناسی عملکرد خانواده در این مورد پرداخت و روشن کرد که چگونه خانواده ها آزادی انتخاب کودکان را سلب می کنند و به جای ارزش گذاشتن به نیروی تعقل آنها، آنها را ملامت می کنند و کشش های درونی کودکان را جهت می دهند، اما فعلاً بحث مدرسه در اولویت است.

کمال قرار می گیرد. نکته‌ی مهم تر، این است که اگر کسی به مسیری رفت که کمال وی نیست و برای دیگران هم به یقین معلوم است که در مسیر کمال قرار ندارد، نمی توان قدرت انتخاب او را محدود کرد و او را به انتخاب مسیری واداشت که به زعم دیگران و یا حتی به واقع، اگرچه این امر شاید به یقین ممکن نباشد، در مسیر کمال نیست.

بنابراین، نه تنها در مجموعه‌ی وسیع انتخاب هایی که در طیف کمال هستند، فرد باید آزادانه انتخاب مناسب خود را داشته باشد، بلکه اگر فردی حتی به اعتراف خودش می خواهد مسیری غیر از مسیر کمال خود را انتخاب کند، کسی حق ندارد این حق را از او بگیرد.

اگر آزادی انتخاب به معنی آزادی در انتخاب مسیری مشخص از مسیرهای کمال یا مسیر کمال در مقابل مسیر غیر کمال بود، باید نام آن را از «آزادی انتخاب» به «اجبار در انتخاب» تغییر دهیم.

مشکل در واقع از همین نکته‌ی باریک آغاز می شود که دیگری، هر کس که باشد، بخواهد ادعا کند که می داند مسیر کمال برای فردی چیست و این تشخیص خود را بر تشخیص دیگران در مورد آن فرد و بر تشخیص خود فرد در مورد خودش ترجیح دهد، به بهانه‌ی این که می خواهد آن فرد فقط در مسیر ضلالت نباشد و سپس به بهانه‌ی این که دلسوز اوست و مسیر خاص کمال او را می داند، آزادی انتخاب او را محدود و محدودتر کند.

بنابراین، هیچ بهانه‌ای نباید مانع آزادی انتخاب فرد شود. خاصه آن که، وسایل تشخیص کمال هم در درون فرد نهفته است که همان فطرت و قدرت تعقل است.

اکنون دوباره به بحث نقش محیط برمی گردیم. همان گونه که در بحث قبلی دریافتیم، نقش محیط نه تنها

همچنین، شاید نیاز به این که بحث شود که در جامعه نیز از طرف رسانه‌ها و نهادها و سیاست‌یون آسیب‌ها چگونه ایجاد می‌شود، کم نباشد. ولی موضوع این نوشتار بیشتر به مدرسه معطوف است.

مدرسه و تفکر

ابتدا به آسیب‌شناسی نقش مدرسه در پرورش نیروی تعقل می‌پردازیم. ممکن است مدرسه خود را متولی ایجاد زمینه‌ی کمال فرد ننشاند و ادعا کند که وظیفه‌ی او تنها تدریس دروس به دانش‌آموزان و ارزش‌یابی از میزان یادگیری آن‌هاست. در واقع شاید بهتر باشد که مدارس همین نقش را برای خود تعریف کنند و از این مرز هم فراتر نروند. مأموریت خود را تدریس دروس مشخص شده و ارزش‌یابی از آن‌ها بدانند. این وظیفه بسیار روشن است و اگر مدارس چنین باشند، کمترین آسیب را به فرایند کمال وارد می‌کنند.

اگرچه همین نقش هم می‌تواند در صورت درست انجام‌نشدن، در مسیر کمال آسیب‌زا باشد، ولی عمده‌ی آسیب‌ها از آن‌جا نشأت می‌گیرد که مدرسه مأموریت‌های بسیار بزرگ‌تری برای خود قائل می‌شود.

اکنون، حداقل در مقام ادعا، مدرسه خود را متولی تربیت به معنی ساخته شدن (کمال) دانش‌آموزان می‌داند و هر روز طرحی برای ارتقا و اثربخشی مدارس برای پرورش دانش‌آموزانی سالم، قوی، متعهد، متدین، متخصص و... داده می‌شود. در واقع، اگر بخواهیم کمی هم این ادعاها را جدی بگیریم، آن‌گاه باید بررسی شود که نقش مدرسه در پرورش تعقل، تفکر و تحلیل که یکی از سه پایه‌ی کمال است، چیست؟ اگر نقش مدرسه تکامل فرد است، چه قدر فضا برای تعقل و تفکر وجود دارد؟

پرورش قدرت تعقل، تفکر و تحلیل، به ایجاد فضایی نیاز دارد که فرد را به فکر کردن ترغیب کند. این که فرد نظر بدهد، بحث کند، انتقاد کند، مسئله ایجاد کند و مسائل را حل کند. اگرچه معلومات و دانش‌ها مهم هستند و دانش‌آموزان باید آن‌ها را بیاموزند، ولی اگر کفهی تربیت و پرورش نسلی کارآمد و خودساخته و تکامل یافته در مأموریت مدارس سنگین‌تر است، پس فضای تفکر، تحلیل و تعقل هم باید سنگین‌تر باشد.

نه تنها در دبستان‌ها که اساساً برخی به غلط معتقدند که «دانش‌آموز دبستانی هنوز بچه است و قدرت تفکر و تحلیل ندارد»، بلکه حتی در دبیرستان هم حجم معلوماتی که

دانش‌آموز باید آن‌ها را بیاموزد و آزمون دهد، به حدی زیاد است که فرصتی برای تعقل و تحلیل نمی‌ماند.

اگرچه هر علمی در واقع بر پایه‌ی تفکر و تحلیل ایجاد شده و توسعه یافته است، ولی حتی در دروسی که به تفکر و تحلیلی بودن معروف‌تر هستند، مانند فلسفه، روان‌شناسی، ریاضیات و فیزیک و بسیاری دیگر نیز، دانش‌آموزان عمدتاً به یاد گرفتن معلومات کتاب می‌پردازند و زمانی برای تحلیل و تفکر به وجود نمی‌آید.

نباید از این نکته گذشت که تصور این که در کودکی و یا در دبستان قدرت تفکر و تحلیل در بچه‌ها رشد نمی‌کند، از آسیب‌زاترین فرضیات در والدین و معلمان است. اساساً قدرت تفکر در کودکی شکل می‌گیرد، هوش از تولد تا نوجوانی در حال رشد است و سپس متوقف می‌شود. قدرت تحلیل افراد، بستگی مستقیم به نحوه‌ی تعاملاتی دارد که در کودکی با محیط داشته‌اند.

بنابراین، دوره‌ی کودکی و دبستان بیشترین ضرورت و بهترین موقعیت برای پرورش قدرت تحلیل و تفکر است. ایجاد فضایی که در آن کودک با مسائل روبه‌رو شود و بتواند آزادانه با آن تعامل کند و احیاناً مسائل را حل کند، بیشترین نقش را در پرورش قدرت تفکر آن‌ها دارد.

معلومات، به خصوص در سنین بالاتر، عمده‌ترین مواد خام برای تمرین تفکر و تحلیل هستند. برخلاف سنین کودکی که در آن، مواد و اشیا و محسوسات این نقش را به عهده دارند، ابزارها، مواد و محسوسات معمولاً بار ارزشی ندارند. بنابراین، در تمرین‌های کودکان برای پرورش تعقل آسیبی ایجاد نمی‌کنند. اما اگر معلومات ارزش‌های تند داشته باشند، امکان تمرین صرف برای تقویت قدرت تعقل را از بین می‌برند.

وقتی گزاره‌های متعددی با پیش‌فرض‌های «حتماً درست است»، «جزو بدیهیات است»، «جزو مقدسات ماست» و غیره، به فرد داده می‌شود، در واقع اولاً به او نگرش‌هایی داده می‌شود که خود آن‌ها را انتخاب نکرده است و این با آزادی انتخاب مغایرت دارد. ثانیاً امکان تمرین تحلیل و تعقل از وی سلب می‌شود، زیرا وقتی گزاره‌ای درست است، دیگر دلیلی برای بررسی، تحلیل و تفکر در مورد آن وجود ندارد.

بررسی این که در مدرسه‌ها چه قدر این اتفاق می‌افتد، کار سختی نیست و احتمالاً عمده‌ی معلمان نسبت به این موضوع، دیدگاه مشترک و ناخوشایندی دارند.

بررسی نقش مدرسه در دو عامل دیگر فرایند کمال را به نوشتار بعدی می‌سپاریم.

منابع

۱. مجیدی، اردوان. نظام برتر؛ آینده‌ی آموزش و پرورش آینده. نشر ترمه. ۱۳۸۰.
2. Huit, W. (2001). Motivatin to Learn: An Overview. Educational psychology interactive. Valdosta, GA: Valdosta State University. Retrieved Dec. 15, 2006 From: <http://chiron.valdosta.edu/whuitt/col/motivation/motivate.html>.
3. Saeednia, Y. (2009). The Need to Know and to Understand in Maslow's Basic Needs Hierachy. Us-China Education Review, 9(6), september 2009 (serial Number58) (ISSN 1548-6613), 52-56.



سراپا گوش شویم

پروین داعی پور

یکی از مهم‌ترین عناصر در ارتباطات بین‌فردی، همین «گوش دادن» است؛ مهارتی که به همان اندازه که ساده می‌نماید، کسبش به تمرین و تلاش زیاد نیاز دارد. معمولاً گوش دادن، یا برای کسب اطلاعات و درک مطلب است یا برای یادگیری و یا کسب لذت. به هر منظوری که باشد، اکثر مردم خیال می‌کنند بر آن مسلط‌اند، در حالی که تحقیقات نشان می‌دهد، معمولاً افراد بین ۲۵ تا ۵۰ درصد از آنچه را می‌شنوند، به خاطر می‌آورند.

«گوش کنید!». از درخواست‌های مکرر معلمان خطاب به شاگردان است که به واسطه‌ی آن از آن‌ها می‌خواهند حرف‌هایشان را بشنوند. اما آیا تا به حال شده است که معلمان از خود بخواهند به دانش‌آموزانشان گوش بسپزند و حرف‌هایشان را بشنوند؟ آیا تا به حال به این فکر کرده‌اند که چه مهارت بزرگی در این کلام نهفته است؟ آیا در این نکته تأمل کرده‌اند که خودشان می‌توانند الگوی گوش دادن شوند؟



گاهی «گوش دادن» با معنایی مترادف می‌شود که در فرد ایجاد مقاومت می‌کند. گاهی از آن معنای «اطاعت کردن» یا «پذیرفتن نظر و ایده‌ی گوینده» و یا «تابعیت» فهمیده می‌شود. لذا این تصور را در شنونده ایجاد می‌کند که باید از نظر و علاقه‌ی خود صرف‌نظر کند و ایده‌ی طرف مقابل را بپذیرد. بنابراین، از اساس گوش نمی‌دهد. بعضی اوقات «گوش دادن» را با «شنیدن» یکی می‌دانند. در حالی که «شنیدن» عملی بیولوژیکی و منفعلانه است، یعنی چه بخواهیم و چه نخواهیم، صداها را می‌شنویم. اما منظور از «گوش دادن» این‌ها نیست. گاهی رفتاری که صورت می‌گیرد «گوش دادن» است، اما به صورت منفی، مانند «گوش دادن غیرفعال». یعنی ظاهراً گوش می‌دهد، اما ذهنش جای دیگری است. از این گوش شنیدن و از آن یکی در کردن. بنابراین، ارتباط هم اتفاق نمی‌افتد. گاهی فرد فقط آن چه را می‌خواهد بشنود، می‌شنود. آن قسمت از پیام را می‌گیرد که مایل است بگیرد. به این نوع، «گوش دادن انتخابی» می‌گویند. بدیهی است که این هم «گوش دادن» نیست.

پس مهارت گوش دادن مثبت کدام است؟ در پاسخی ساده باید گفت، زمانی است که به برقراری ارتباط خوب منجر می‌شود. یعنی فرد از مصاحبت با دیگری احساس آرامش می‌کند و لذت می‌برد. این طریق گوش دادن را «گوش دادن فعال» می‌نامند.

«گوش دادن فعال» شنیدنی هدف‌دار است. موقعی اتفاق می‌افتد که به درک متقابل منجر می‌شود. به دنبال جذب معانی کلمات و جملات است، از موانعی که مزاحم گوش دادن است دوری می‌جوید تا به درونیات فرد مقابل خود پی ببرد؛ این که فرد از چه می‌گوید، احساسش چیست و ایده‌هایش کدام‌اند؟ این نوع گوش دادن با **همدلی** همراه است و فرد شنونده، به دور از **پیش‌داوری و قضاوت**، به گفته‌ها جان می‌سپارد.

در مهارت‌های ارتباطی، نقش مهم‌تر را فرد شنونده برعهده دارد. می‌گویند، گوینده فقط یک وظیفه دارد؛ آن هم انتقال درست مطلب. یعنی باید بتواند مقصود را شفاف و روشن بیان کند. اما در مقابل این شنونده است که باید هم‌زمان هم نقطه‌نظرات گوینده را بگیرد، هم بتواند پاسخ

مناسبی برای آن بیابد و هم احساس او را دریابد. بنابراین، برعکس تصور عامه، نقش فعال را شنونده دارد نه گوینده. این شنونده است که باید بکوشد خود را جای گوینده بگذارد. کار سخت اوست که ارتباط را دلنشین می‌سازد.



چگونه شنونده‌ی خوبی باشیم؟

شنونده‌ی خوب بودن، قابلیت است که نه تنها فرد را در حل مشکلاتش یاری می‌دهد، بلکه کمک می‌کند دنیا را از نگاه دیگران ببیند. قدرت همدلی را تقویت می‌کند و نکات فراوانی را می‌آموزد. از همه مهم‌تر، فرد را خوش ارتباط جلوه می‌دهد. راهکارهای زیر، برای تقویت گوش دادن و دستیابی به این قابلیت ارائه می‌شوند:

به هنگام صحبت کردن با فرد مقابل:

- ارتباط چشمی را حفظ کنید. نگاه به صورت طرف مقابل، اولین نشانه‌ی توجه کردن و احترام است. در عین حال، فرصتی برای گوینده ایجاد می‌کند تا واکنش عاطفی و همدلی را در شما ببیند. البته ملاحظات فرهنگی نیز باید مورد توجه قرار گیرد.
- سخنان گوینده را قطع نکنید. سکوت کنیم و اجازه دهیم گوینده صحبت خود را تمام کند. یکی از مزاحمت‌های جدی در این باره، قطع سخنان طرف مقابل است که متأسفانه در پاره‌ای از مناسبت‌های ارتباطی عادی شده است.
- از رفتارهای غیر کلامی بهره بجوید. به موقع سر را به علامت تأیید تکان دادن، قدری به سمت جلو خم شدن، کج کردن سر، متأثر شدن چهره به هنگام شنیدن ناراحتی گوینده یا باز شدن چهره به هنگام مطرح شدن نکات مثبت، از نکات مهم در گوش دادن است. در واقع با این ابرازهای غیر کلامی، به گوینده نشان می‌دهید که حرف‌های او را درک می‌کنید.
- به مزاحمت‌های محیطی اعتنا نکنید. سروصداها، محیطی، حضور افراد دیگر یا زنگ ناگهانی موبایل و تلفن، از اختلال‌هایی است که می‌تواند تمرکز را کم کند. تا حد امکان باید بی‌اعتنایی کرد.
- آن چه را که شنیدید، بازگو کنید. با این رفتار، فرد گوینده را مطمئن می‌کنید که مطالبش را همان‌طور که بیان کرده



کافی است با لحن سؤالی بگویید «خوب؟» به یقین، گوینده فرصتی می‌یابد تا موارد مورد نظرش را بیان کند.

● از قضاوت و پیش‌داوری به‌طور جدی پرهیزید. شاید از کلیدی‌ترین عناصر گوش دادن همین باشد. قضاوت مانع از شنیدن دیگر نکات می‌شود. ذهن به دنبال نتیجه‌گیری، مشغول یافتن پاسخ می‌شود یا در دیگر نکات ابرازی نیز، دنبال یافتن ادله‌ی بیشتر برای اثبات قضاوت خود می‌گردد و عملاً دیگر جایی برای گوش دادن باقی نمی‌ماند. لازمه‌ی گوش دادن، داشتن ذهنی باز و پذیرنده است. پذیرنده نه به معنای تسلیم بودن، بلکه به معنای یافتن ایده و نقطه‌نظر گوینده. حساسیت نداشتن بر لغات یا بر مسائل غیرمرتبط، مثل لهجه یا تن صدا و ظاهر، از دیگر مواردی هستند که باید تمرین شوند.

● فضای امن به‌وجود آورید. به خاطر بسپاریم که همه الزاماً مثل ما فکر نمی‌کنند. گوش دادن به ایده‌هایشان هم به معنای تأییدشان نیست. این می‌تواند فرصتی باشد که موضوعی را از زاویه‌ی دیگری هم دید. بنابراین، با نقد نابه‌جا یا حمله به دیدگاه‌ها یا به سخره گرفتن عواطف و احساسات، فضای صحبت را ناامن نکنیم.

برای مسلط شدن به مهارت گوش دادن، می‌توانید در ارتباطات روزمره ببینید کدام‌یک از این‌ها اتفاق می‌افتد و چه تأثیری در روال ارتباط دارد. مثلاً قطع کردن صحبت را مشاهده کنید. یا قبل از اتمام کلام گوینده، قضاوت کردن و تغییر مسیر صحبت را ببینید. این خود شروع خوبی است. در آخر دلم می‌خواهد این را بگویم: معلم می‌تواند به شاگردش این فرصت را بدهد که شنیده شود. گاهی فقط گوش دادن و حرفی نزدن، خصوصاً نصیحت نکردن یا صغرا و کبرا نچیدن، به بچه‌ها کمک می‌کند تا خودشان را بشنوند، خودشان را بیابند و پاسخ نکته‌شان را دریابند. پس گاهی می‌شود سرا پا گوش شد.

منابع

۱. هارتهک مایر، مارتینا و یوهانس - فریمن دوریتی، ل. با هم اندیشیدن، راز گفت‌وگو، ترجمه‌ی فاطمه صدر عاملی، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۲.
۲. هیمن، سوزی، چرا به نوجوانان گوش نمی‌دهید، ترجمه‌ی لاله دهقانی، تهران: انتشارات جیحون، ۱۳۷۹.

3. Teen tips - A practical survival guide for parents with kids 11 to 19, Tom McMahon, pocket books, 2003.

است، متوجه شده‌اید. می‌توانید از عباراتی نظیر جملات زیر استفاده کنید: «ببینید درست متوجه شدم، شما می‌گویید...» یا «آن طوری که من متوجه شدم، داستان از این قرار است که...» شنیدن دوباره‌ی کلام از زبان شنونده، احساس همدلی را بالا می‌برد. در ضمن، این فرصت را به گوینده می‌دهد که چنان‌چه مطلبی متفاوت برداشت شده است، اصلاح شود.

● به هیجانات و احساسات توجه کنید. راهی که برای این توجه وجود دارد، «همدلی» است. همدلی با همدردی تفاوت دارد. در همدلی، در عین حالی که فرد متوجه‌ی شرایط احساسی طرف مقابل است، خود را مستقیم درگیر نمی‌کند. فرض بفرمایید، کسی از تحقیر در یک درگیری، سرخورده و متأثر است و شما آن را حس می‌کنید. در این شرایط، می‌توان با ابراز جملاتی با فرد همدلی کرد. مثلاً بگویید «واقعاً در شرایط سختی قرار داشتید» یا «تحمل چنین شرایطی آسان نیست» یا «حق داری، این موضوع کوچکی نیست». توجه کنید، در این عبارات کلمه‌ی «من» وجود ندارد، یعنی حوزه‌ی شخصی فرد تداخل پیدا نمی‌کند. یعنی الزاماً ممکن است من مثل شما این احساس را نداشته باشم، اما می‌فهمم که سخت است. اگر من درگیر شود، این دیگر «هم‌دردی» است. مثل این که بگویید «واقعاً داغون شدم، اگه من آن‌جا بودم، به او می‌گفتم با چه کسی طرف است؟» یا این که با هیجان گوینده درگیر شوید. یعنی مثل او عصبانی شوید، یا پا به پایش گریه کنید. البته هم‌دردی در جاهایی لازم است، اما به خاطر داشته باشیم، در این‌صورت ممکن است فرد گوینده احساس حمایت نکند.

● از کلمات کلیدی و اکو کردن استفاده کنید. برای درک بهتر منظور گوینده، می‌توان کلیدواژه‌های کلام گوینده را با لحن سؤالی به او برگرداند. بعضی کلمات بسیار کلی و التزامی‌اند، یعنی شاید به تعداد انسان‌های روی کره‌ی زمین برایشان تفاوت نگاه و تفسیر وجود داشته باشد. واژه‌ی ساده‌ای مثل «خوب» را در نظر بگیرید. می‌تواند ده‌ها مفهوم متفاوت را در برگیرد و ما نمی‌دانیم منظور گوینده الزاماً چیست. مثلاً گوینده می‌گوید «امروز روز خوبی نبود.» شما نمی‌دانید این خوب این‌جا یعنی چه. آیا با کسی درگیر شده است، در ترافیک طولانی مانده است، سر وقت نتوانسته است غذا بخورد و... در این مواقع، فقط

کلیدواژه‌ها: هوش درون فردی، تفکر، معلم.

آیا شما از هوش درون فردی* بالایی برخوردار هستید؟ کدام یک از دانش‌آموزان تان از نظر سطح دارا بودن از هوش درون فردی به شما نزدیک‌تر است؟ خوب است برای پاسخ دادن به این سؤالات، ابتدا گزاره‌های زیر را مطالعه و جایگاه خود را در آن معین کنید. این موارد می‌تواند نشانگر مناسبی در زمینه‌ی ارزیابی ماهیت و کیفیت هوش درون فردی باشد:

- معمولاً ساعاتی را در تنهایی به تفکر، مکاشفه و اندیشیدن به سؤال‌های مهم زندگی می‌پردازم.
- در جلسات مشاوره یا سمینارهای رشد فردی شرکت می‌کنم تا چیزهای بیشتری در مورد خود بیاموزم.
- قادرم با حالتی انعطاف‌پذیر با شکست‌ها و مشکلات خود روبه‌رو شوم.
- اهداف مهمی در زندگی خود تعیین کرده‌ام که مرتب به آن‌ها فکر می‌کنم.
- از ضعف‌ها و توانایی‌های خود آگاهم.
- ترجیح می‌دهم اواخر هفته را به تنهایی در کلبه‌ای در جنگل سپری کنم، تا این‌که در تفریح‌گاه و در میان مردم باشم.

دکتر لیلا سلیقه‌دار

دکترای برنامه ریزی آموزشی و دبیر منطقه‌ی ۱۶ تهران

- خود را مصمم و مستقل می‌دانم.
 - وقایع و اتفاقات زندگی خود را در دفترچه‌ای یادداشت می‌کنم.
- پاسخ شما به موارد بالا چگونه است؟ خوب است بدانید که دانش‌آموزان دارای هوش درون فردی بالا هم، ویژگی‌هایی دارند که با اندکی دقت و مشاهده‌ی رفتار آن‌ها در موقعیت‌های متفاوت، قابل شناسایی هستند. آن‌ها استقلال و اراده‌ی خوبی دارند، قابلیت‌ها و ضعف‌های خود را می‌شناسند و به همین علت در شیوه‌ی زندگی و یادگیری، روش خاص خود را دارند، به‌خوبی از عهده‌ی مراقبت از خود برمی‌آیند، احساساتشان را به‌درستی بیان می‌کنند و ترجیح می‌دهند به‌تنهایی کار کنند. با توجه به نشانه‌های یاد شده می‌توان گفت، هوش درون فردی به معنی شناخت خود و توانایی عملکرد مناسب براساس آن است. کسانی که هوش درون فردی بالایی دارند، به‌خوبی از وضعیت هیجانی، احساسات و انگیزه‌های خود آگاه‌اند. این افراد از خودآزمایی، تحلیل روزانه، کندوکاو کردن روابط خود با دیگران و برآورد توانایی‌های فردی‌شان لذت می‌برند. بر این اساس، به کارگیری فعالیت‌هایی که به نوعی با ویژگی‌های هوش درون فردی ارتباط داشته باشد، تأثیر بیشتری

اشاره

در شماره‌های پیشین، ضمن اشاره به نقش هوش در کلاس درس، هوش زبانی را معرفی کردیم و نحوه‌ی توجه به آن در فرایند یاددهی-یادگیری را گفتیم. هوش زبانی به علت دارا بودن ویژگی‌های خاص از جمله سهولت به کارگیری، از جمله مواردی است که بیشترین کاربرد را در آموزش به خود اختصاص داده است. همین نکته موجب شده است تا توجه و تکیه‌ی افراد به‌ویژه معلمان، بر سایر انواع هوش و توانایی‌ها، به‌نسبت کاهش یابد. در این مقاله کوشیده‌ایم ضمن معرفی هوش درون فردی، به کاربرت‌های ساده، اما مؤثر آن در کلاس درس اشاره کنیم.



و یا دانش آموز را به تفکر به خویشتن دعوت می‌کند، دقیقاً با
پرورش هوش درون فردی تناسب و هماهنگی دارند، مانند:
از درون خستگان اندیشه کن
و ز دعای مردم پرهیز کار
یا
پرهیزگار باش که دادار آسمان
فردوس جای مردم پرهیزگار کرد

از دیگر کاربردهای شایسته‌ی هوش درون فردی و توجه
به آن، به موقعیت‌های انضباطی دانش آموزان مربوط می‌شود.
کلاس درسی را تصور کنید که در آن دانش آموزی به انجام
کار دیگری به غیر از کار مورد نظر معلم، مشغول است. در این
وضعیت، هنگامی که معلم می‌خواهد براساس هوش درون فردی
دانش آموز و نیز شناختی که از او دارد، رفتار کند، بدون ارائه‌ی
هیچ تذکری، شروع به تدریس می‌کند و می‌کوشد فرصتی به او
بدهد تا خود بتواند رفتارش را کنترل کند. در چنین کلاسی، معلم
در ابتدای سال از دانش آموزان خود می‌خواهد که قوانینی را برای
رعایت نظم و انضباط در کلاس تنظیم کنند و به آن‌ها پای‌بند
باشند. شاید شما هم این تجربه را در صفحات خاطرات کاری
خود داشته‌اید که هنگام روبه‌رو شدن با دانش آموز خاطی، از او
می‌خواهید برای تنبیه خود راهی را تعیین کند. این تصمیم، به‌طور
هوشمندانه‌ی هوش درون فردی فراگیرنده را نشانه می‌گیرد.
راه دیگر منطبق با هوش درون فردی دانش آموزان،
زمانی است که معلم فهرستی از فعالیت‌های گوناگون را در
اختیار دانش آموزان قرار می‌دهد تا آن‌ها مطابق با علاقه‌ی
خود دست به انتخاب بزنند و در این راه، علاوه بر لذت بردن،
به شناخت بیشتری از خود نایل شوند. هم‌چنین، فراهم کردن
زمینه‌ی مشاوره‌ی دانش آموز با سایرین و داشتن عزت نفس،
موجب تقویت هوش درون فردی می‌شود.

در ارزش‌یابی از آموخته‌های دانش آموزان نیز، هوش
درون فردی جایگاه قابل توجهی دارد. به این سؤال از درس
تاریخ دوره‌ی راهنمایی تحصیلی توجه کنید: «در چند جمله،
احساسات خود را در مورد یعقوب، پسر لیث، با توجه به
ویژگی‌ها و فعالیت‌هایش در طول دوران حکومتش بگویید.»
این سؤال و سؤالات مشابه آن، موجب تحریک هوش
درون فردی می‌شود و می‌تواند زمینه‌ی مناسبی را برای تقویت
این هوش فراهم آورد؛ علاوه بر آن که به‌وسیله‌ی آن می‌توان
به شایستگی، میزان آموخته‌های دانش آموزان را سنجید و برای
ایجاد تنوع و جذابیت در سؤالات امتحانی نیز اقدام کرد.

بر یادگیری افراد در موضوع مورد نظر خواهد داشت. برای
مثال، دبیر درس عربی پایه‌ی سوم راهنمایی تحصیلی، تعدادی
جمله‌ی نیمه‌تمام را در اختیار دانش آموزان قرار می‌دهد و از
آن‌ها می‌خواهد، هر کدام به تنهایی از میان فهرست کلمات داده
شده، مناسب‌ترین گزینه را انتخاب و جملات را کامل کنند.
در مرحله‌ی بعد، هم‌خانواده‌های کلمات مورد نظر در تمرین
قبلی را در قالب جملات دیگری در اختیار آنان قرار می‌دهد
تا با استفاده از آن‌ها جملات را کامل کنند. با این فعالیت، او
قصد دارد هم‌خانواده‌های دسته‌ای از کلمات را به دانش آموزان
معرفی کند. این کار، به جهت شیوه‌ی انجام آن که فعالیتی
انفرادی را دربرداشته، برانگیزاننده و مقبول دانش آموزان دارای
هوش درون فردی بالاست. بدیهی است که در شکل بهتر آن،
معلم فعالیت‌های متنوعی را طراحی می‌کند و می‌کوشد انواع
گوناگون هوش فراگیرندگان را مورد نظر قرار دهد.

هم‌چنین در این راستا انواع پرسش‌های معلم که به
نوعی دانش آموز را به تفکر بیشتر در مورد خود و زندگی‌اش
وامی‌دارد، می‌تواند به پرورش هوش درون فردی بینجامد.
برای نمونه، معلم درس تاریخ، در حین تدریس سلسله‌ی
سلجوقیان، مبدأ درس خود را معرفی پایتخت آن‌ها، شهر
اصفهان، قرار می‌دهد. به همین مناسبت از دانش آموزان
سؤال می‌کند: «کدام یک از شما تاکنون به شهر اصفهان
سفر کرده است؟» سپس زمانی را به آن‌ها اختصاص می‌دهد
تا اطلاعاتی از این شهر را در کلاس مطرح کنند.

دبیر درس تعلیمات دینی نیز برای آموزش درس «جهاد
و دفاع از اسلام»، از فراگیرندگان سؤال می‌کند که کدام‌یک
از آنان، خاطره‌ای از جبهه و زمان جنگ را از زبان خانواده
و یا اقوامش شنیده است؟ و یا با نمایش تصاویری از جبهه
و جنگ، از آن‌ها می‌خواهد که خود را در آن ایام تصور کنند
و احساس و تصمیمشان را بگویند. سپس با شنیدن سخن
دانش آموزان، به مراحل بعدی تدریس خود می‌رود.

در مثالی دیگر، می‌توان به فرصت‌های مؤثر و عمیقی که
درس فارسی برای پرورش هوش درون فردی ایجاد می‌کند
اشاره کرد. برای مثال، درس سیزده از کتاب فارسی پایه‌ی سوم
راهنمایی، از دانش آموزان می‌خواهد که در یک نوشته، زادگاه
خود را معرفی کنند. این درس به علت ایجاد پیوند و ارتباط
میان مطلب مورد نظر (تقویت مهارت نگارش دانش آموز) و
زندگی آنان، به‌طور مستقیم به هوش درون فردی تکیه دارد.
هم‌چنین، اشعار و متونی که رهنمود هدف‌مندی را بیان می‌کنند



زکیه باقر اسکویی
معلم نمونه‌ی اردبیل
۳۳ سال سابقه‌ی تدریس

از دیدگاه وی: «در دوران راهنمایی معلم باید به رفتارها و گفتارهای خود توجه داشته باشد. یعنی هر دو باید وجود داشته باشند. هم تدریس نظری و هم تدریس عملی. در دوره‌ی راهنمایی، دانش‌آموز به مفهوم و تدریس توجه دارد و معلم باید مفاهیم را خوب یاد دهد. برای معلم خوب بودن، باید به مفاهیم روح بخشید و به شکل‌های متفاوت آن‌ها را عینیت داد و ملموس کرد. مثلاً برای آموزش تبدیل حالت جامد به گاز، می‌توان از برف شادی استفاده کرد و با پخش کردن آن در کلاس، از بچه‌ها خواست برف‌ها را جمع کنند. آن‌گاه خود آن‌ها این مفهوم را به خوبی درک می‌کنند و هرگز از ذهنشان نخواهد رفت. اما اگر تدریس مانند تدریس برخی از معلمان منحصر به پرسش و پاسخ باشد، بچه‌ها آن را فراموش می‌کنند.»

وی افزود: «اصلی‌ترین مشکل معلمان این است که مفاهیم درس علوم و نیز تعداد دانش‌آموزان زیاد است و وسیله‌ی کمک‌آموزشی هم تقریباً وجود ندارد. فناوری کلاس‌های ما به ۱۰۰ سال پیش تعلق دارد. در زمان فعلی، کلاس درس، فقط برای حفظ کردن است نه برای تولید علم. زیرا زمانی برای کار عملی وجود ندارد و وسایل کمک‌آموزشی هم عقب‌مانده‌اند.»

به اعتقاد ایشان: «مهم‌ترین و اساسی‌ترین مشکل خود معلم است. اگر معلم سطح خود را بالا ببرد، به کلاس متکی نباشد، متکی به علم روز باشد، اگر در کلاس به دروغ متوسل نشود، سرهم‌بندی نکند، اگر جواب سؤالی را که نمی‌داند، بلافاصله ندهد، و اگر دانش‌آموز را مقام بزرگی تصور کند، آن‌گاه مواظب گفتار خود خواهد بود. اگر خود را در برابر فرد باسوادی تصور کند، هرگز حرف نسنجیده نمی‌زند. معلم باید اول خود مفاهیم را بفهمد، به آن‌ها مسلط باشد و بعد آن‌ها را بیان کند.»

هفت نفر از معلمان علوم تجربی دوره‌ی راهنمایی سراسر کشور، امسال به‌عنوان معلمان نمونه انتخاب شدند که اسامی آن‌ها به شرح زیر است:
زکیه باقر اسکویی از استان اردبیل، سهیلا رضایی از استان فارس، پروین میرزایی از استان چهارمحال بختیاری، حمید گلنار از استان همدان، آریتا فروزنده شهرکی از استان خوزستان، ابراهیم خم‌ری از استان سیستان و بلوچستان و زهرا ابراهیمی از استان خراسان شمالی.

ماهنامه‌ی رشد آموزش راهنمایی تحصیلی، به‌منظور معرفی و استفاده از تجربه‌های این عزیزان، گفت‌وگویی با آن‌ها انجام داده است که از مجموعه‌ی آن‌ها گزارشی تهیه کرده‌ایم که اینک از نظر شما می‌گذرد.

سهیلا افتخاری

فردی

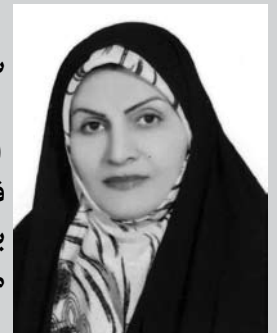
گفت‌وگو با معلمان نمونه‌ی کشوری علوم تجربی

به اعتقاد خانم رضایی، دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی در مرحله‌ی تحول قرار دارند؛ تحول سنی و عقلی. نه کودک هستند و نه کاملاً بزرگ و رشد یافته. در این دوره، شخصیت بچه‌ها متحول و بخش مهمی از آن پایه‌ریزی می‌شود؛ به گونه‌ای که هر سال تغییر جدی می‌یابند. در دوره‌ی راهنمایی، دانش‌آموزان صفات خاصی پیدا می‌کنند. لذا لازم است که برخورد معلمان با آن‌ها، دقیق و به‌صورت فردی باشد. معلمانی که شخصیت دانش‌آموزان را به‌صورت کلی می‌بینند، قادر به دیدن خلاقیت‌های فردی آن‌ها نخواهند بود.

معلم نمونه‌ی استان فارس می‌گوید: «استعدادهای هر فردی خاص خود اوست که باید آن را به‌صورت فردی دید و کشف و شکوفا کرد. البته وزارت آموزش و پرورش نیز باید در مطلوب ساختن کلاس‌ها بکوشد. امروزه در دنیا روش‌های آموزش به سمت «فردی» شدن می‌روند. اگر ما نگاه فردی داشته باشیم، اما در کلاس‌هایمان با جمعیت فعلی مواجه باشیم، به اهدافمان نخواهیم رسید. در حقیقت، نظام آموزشی و کلاس‌ها باید در جهت «فردمحوری» حرکت کنند.

بزرگ‌ترین عوامل یادگیری، زمان و تعداد دانش‌آموزان هستند. زمان یادگیری برای دانش‌آموزان ما بسیار کم است. ما باید این قدر وقت داشته باشیم که با تک‌تک دانش‌آموزان به‌صورت «عملی» کار کنیم. معلم باید نگاهش «فردی» و «عملی» باشد. در حقیقت، همه باید به این سمت برویم که استعدادهای دانش‌آموزان کشف شود. اما چون فرصت و زمانی برای بررسی فرد به‌فرد و کشف خلاقیت‌های دانش‌آموزان وجود ندارد، بچه‌های ما کشف نمی‌شوند.

معلمی که خود بی‌انگیزه است، نمی‌تواند معلم موفق باشد. به‌علاوه معلمی که خود آموزش ندیده است، چه‌طور قادر خواهد بود دانش‌آموزان را علاقه‌مند کند و به آن‌ها جهت بدهد. در کلاس‌ها باید بچه‌ها را هدف‌دار کرد و کوشید رویکردشان، رویکرد رسیدن به هدف باشد. لذا کل نظام آموزشی و معلمان باید به سمت هدفمند کردن دانش‌آموزان پیش رود. خانم رضایی در پایان به معلمان جدید پیشنهاد می‌کند: «برای بچه‌ها هدف‌های زیاد و بزرگ بسازید، هدف‌ها را دست‌یافتنی کنید و آن‌ها را به سمت دست‌یافتن به اهداف سوق دهید.»



سپهیلار رضایی
معلم نمونه‌ی فارس
۲۱ سال سابقه‌ی تدریس
فوق لیسانس رشته‌های
برنامه‌ریزی درسی و
مدیریت آموزشی

وی معتقد است: «برای معلم موفق بودن، باید عشق داشت. نباید به معلمی به‌عنوان شغل نگاه کرد. باید بچه‌ها را دوست داشت و مشکلاتشان را حل کرد. باید آن‌ها را به چشم بچه‌ی خود دید. باید تفاوت‌های فردی آن‌ها را در نظر گرفت. باید نسبت به استعدادها، خانواده و شرایط فردی آن‌ها شناخت بیشتر داشت. شناخت بیشتر،

موفقیت بیشتر را به همراه دارد. در ضمن، برخورد جذاب و روش‌های جذاب تدریس و عملی‌ساختن تدریس به‌جای تئوری بودن، از عوامل ایجاد موفقیت برای معلم محسوب می‌شوند.

به اعتقاد وی: «یکی از اصلی‌ترین مشکلات معلمان در درس علوم، به‌طور ویژه کمبود ساعت درسی است. برنامه‌ی کتاب، وسیع است. مفاهیم زیاد و کار عملی وجود دارد و تکلیف معلم مشخص نیست. به‌ویژه در بخش «جمع‌آوری اطلاعات» مطالب وسیع است. گرچه بخشی اختیاری است، اما معلم خود را موظف می‌داند که به آن‌ها جواب دهد و در نتیجه ساعات درسی کم است.

مشکل دیگر این است که امتحانات صرفاً جنبه‌ی دانشی دارند، مسائل علمی و تئوری لازم است، اما کافی نیست. صرف دانشی بودن امتحانات، جنبه‌ی عملی کار را لوٹ می‌کند. این سبک امتحان قدیمی است و تغییر محسوسی در آن دیده نمی‌شود.

خانم میرزایی معتقد است: «دوره‌ی راهنمایی دوره‌ی شناخت دانش‌آموزان و توجه به تفاوت‌های فردی آن‌هاست. باور کنیم که هر دانش‌آموز در حد توانایی خودش قابلیت پیشرفت دارد و انتظار اتمان هم باید با توانایی‌های آن‌ها متناسب باشد.»

متأسفانه تا زمان چاپ مجله عکس ایشان به دست ما نرسید.

پروین میرزایی
معلم نمونه‌ی چهارمحال و بختیاری
۲۱ سال سابقه‌ی تدریس
لیسانس علوم تجربی

■ یک مشکل این است
که امتحانات صرفاً
جنبه‌ی دانشی دارند،
مسائل علمی و تئوری
لازم است، اما کافی
نیست و این سبک
امتحان قدیمی است

■ نباید به معلمی
به‌عنوان شغل نگاه کرد.
باید بچه‌ها را دوست
داشت و مشکلاتشان را
حل کرد



آریتا فروزنده شهرکی
معلم نمونه‌ی خوزستان
۳۳ سال سابقه‌ی تدریس
لیسانس علوم تجربی

به اعتقاد خانم فروزنده: «معلم باید با دانش‌آموزان رابطه‌ی صمیمی داشته باشد تا احترام متقابل در روابطشان حاکم شود. معلمی موفق خواهد بود که از نظر علمی قوی باشد و اقتدار علمی داشته باشد، البته در حقیقت علم و اخلاق هر دو لازم‌اند و حتی اخلاق ارجحیت دارد. اگر رابطه‌ی عاطفی بین معلم و دانش‌آموز برقرار شود و بچه‌ها او را بپذیرند، درسش را نیز خواهند پذیرفت و برعکس، اگر معلمی را نپذیرند، از درس او هم متنفر می‌شوند.»

وی افزود: «معلمان ما مشکل وقت دارند. ساعات تدریس، هم برای آزمایشگاه کم است و هم برای آموزش. معلم نمی‌تواند هر دو را لحاظ کند؛ یعنی هم تئوری تدریس کند و هم کار عملی انجام دهد. از طرف دیگر، در دوره‌ی راهنمایی، بیشترین مشکل در مواجهه با دانش‌آموز، تمایل به جنس مخالف است که باعث دوری او از درس و کاهش تمرکز او روی درس می‌شود.»

به اعتقاد وی: «مهم‌ترین ویژگی دوران راهنمایی، شرایط سنی بچه‌ها و نحوه‌ی برخورد با این ویژگی‌های خاص است. ویژگی‌های خاصی که به مرور زمان ایجاد می‌شوند و نوع برخورد با دانش‌آموزان را مهم و متفاوت می‌سازند. در این دوران، آن‌ها ویژگی‌ها و استعداد‌های جدیدی دارند که اگر بتوانیم آن‌ها را شکوفا کنیم، در دوره‌های بعد به موفقیت بیشتری می‌رسند.»

وی افزود: «من برای موفق شدن کوشیدم از یافته‌ها و تجربه‌های دیگران استفاده کنم. همواره در همایش‌ها شرکت کردم تا به تجربه‌هایم بیفزایم و آموختن را هرگز تعطیل نکنم. موفقیت صددرصد نیست، بلکه نسبی است. اولین موفقیت، شناخت هدف است و هدف شناخت مسیر است. موفقیت با برنامه‌ریزی به‌دست می‌آید. معلم باید وارد مرحله‌ی تحقیق و پژوهش شود و این یکی از ملاک‌های اصلی است. معلمی که خود پژوهشگر باشد، دانش‌آموز پژوهشگر تربیت می‌کند. برای رسیدن به این هدف، آموزش‌های متفاوت مانند آموزش ضمن خدمت، می‌تواند به ما کمک کند.»

ایشان در ادامه گفت: «یکی از اصلی‌ترین مشکلات معلمان دوری خانواده از مدرسه است. اولیا بیشتر بار آموزش و تربیت را به عهده‌ی مدرسه گذاشته‌اند، اما به‌ویژه در دوره‌ی راهنمایی، باید مشارکت اولیا جذب شود و دوری این دو رکن بی‌نتیجه خواهد بود. یکی از راه‌های کاهش فاصله‌ی خانواده و مدرسه، هیئت امنایی کردن مدارس است. در این حالت، اولیا در برنامه‌ریزی و تأمین هدف، خود را مسئول می‌دانند و به حل مشکلات کمک می‌کنند. در عین حال، لزوم بازنگری در کتاب‌ها احساس می‌شود. محتوای کتاب‌ها جوابگوی نیاز امروز نیست. با این که مختصر تغییری ایجاد شده است، اما این برای آینده‌ی بچه‌ها کافی نیست. در شرایطی که تغییر و پیشرفت علم لحظه‌ای شده، محتوای اصلی کتاب‌ها اغلب محتوای سال‌های گذشته است و این جوابگوی آینده‌ی دانش‌آموز حتی برای دوره‌ی متوسطه هم نیست. راهنمایی باید پایه‌ی مناسبی برای ورود به متوسطه باشد. اما با این کتاب‌ها، مشکلات بیشتر خواهد شد. باید از نظرات معلمان در تألیف کتاب‌های درسی استفاده شود. باید شرایطی ایجاد شود که آن‌ها در تعیین سرفصل‌ها دخالت کنند.»

آقای گلنار معتقد است: «داشتن عشق و علاقه به کار مهم‌ترین نکته است. در حیطه‌ی معلمی و فرهنگ، صددرصد مشکل وجود دارد. این تصور که وارد فضایی شویم که بی‌مشکل باشد، غلط است. زیرا معلم یکی از اهرم‌های حل مشکلات جامعه است. ما باید مشکلات را بشناسیم و در رفع آن به دانش‌آموزان کمک کنیم. معلم با استفاده از پشت کار، انگیزه و علاقه، می‌تواند راه را برای رفع مشکلات هموار سازد.»



حمید گلنار
معلم نمونه‌ی همدان
۱۴ سال سابقه‌ی تدریس
لیسانس علوم تجربی

معلمی که خود پژوهشگر باشد، دانش‌آموز پژوهشگر تربیت می‌کند

به عقیده‌ی وی: «دبستان سن اطاعت، دبیرستان سن مشورت و راهنمایی دوره‌ی ادبستان است. بیشترین میزان یادگیری و پذیرش آموزه‌های دینی، نگرشی و فراگیری مهارت‌های زندگی، در این دوران است. اگر چنین مسائلی در دوره‌ی راهنمایی آموزش داده شود، دانش‌آموز می‌تواند تا آخرین روز زندگی از آن‌ها استفاده کند.»

وی افزود: «برای معلم خوب و موفق بودن، شخص باید از غرور و تکبر به دور باشد تا به دنیای درون دانش‌آموز راه یابد. مثالی در این زمینه وجود دارد. فرد دوچرخه‌سواری به دیوار برخورد می‌کند و دیوار را لگد می‌زند، اما شاید او باید نگاهی به دوچرخه بیندازد. معلم‌ها باید خود بازنگری کنند و زبان و عملشان یکی باشد. ما باید بدانیم که الگوی عملی اخلاق و علم برای دانش‌آموز هستیم! اگر معلم عملاً به آن چه می‌گوید، پای‌بند باشد و اعتماد دانش‌آموز را به‌دست آورد، می‌تواند او را به سمت آینده سوق دهد. هم‌چنان که معصوم می‌فرمایند: «کونوا دعاة الناس باعمالکم و لا تکنوا بالسنتکم». و شاعر می‌گوید:

هیچ کس از پیش خود چیزی نشد
هیچ آهن خنجر تیزی نشد
هیچ قنادی نشد استاد کار
تا که شاگرد شکرریزی نشد

از دیدگاه ایشان: «یکی از اصلی‌ترین مشکلات معلمان، گسست عمیق میان مهم‌ترین نقش‌های آموزشی هم‌چون خانواده، مدرسه، مدیر و معلم است. ارتباط خانواده و مدرسه بسیار با اهمیت است و برای رشد دانش‌آموز، هر دوی این نهادها باید دست‌به‌دست هم دهند.»

وی در ادامه گفت: «مشکل دیگر، قوانین و مقررات دست‌وپاگیر هستند. معلمان به شیوه‌ی فرایندمحور تدریس می‌کنند که در پس آن، فعالیت است تا دانش‌آموز را به کوشش وادارد. اما در پایان کار، آزمون‌های مدارس حافظه‌مدار است. در عین حال، نکته‌ی مهم برای خانواده‌ها، قبولی در این آزمون‌هاست. درحالی که معلم آینده‌ی بچه‌ها را در نظر می‌گیرد و به فکر آموزش مهارت برای زیستن و مهارت برای با هم زیستن است، و در این دو نقطه، معلم و خانواده با هم تضاد پیدا می‌کنند. ما باید آزمون‌های ورودی را فرایندمحور کنیم و تفکر نقاد، روش‌های مشورتی و مشارکتی را پرورش دهیم. حال آن که معلم چون مجبور است، همه را حافظه‌مدار می‌کند.»

آقای خمیری افزود: «یک رهبر آفریقایی می‌گوید، زمانی که باد می‌وزد، عده‌ای به فکر ساخت دیوارند. عده‌ای هم به فکر ساخت آسیاب، کسانی که تهدیدها را به فرصت‌ها تبدیل می‌کنند، به فکر ساخت آسیاب هستند. معلم اگر می‌خواهد معلم باشد، باید بداند چگونه این تهدیدها را به فرصت تبدیل کند. موج‌ساز باشد و نه موج‌سوار. فرصت‌ساز باشد و نه فرصت‌سوز. نقش تسهیل‌کننده را ایفا کند و نه پاسخ‌دهنده را.»



ابراهیم خمیری
معلم نمونه‌ی
سیستان و بلوچستان
۱۹ سال سابقه‌ی تدریس
لیسانس علوم تجربی

■ باید آزمون‌های ورودی را فرایندمحور
کنیم و تفکر نقاد، روش‌های مشورتی و
مشارکتی را پرورش دهیم

■ معلم باید موج‌ساز باشد و نه موج‌سوار،
فرصت‌ساز باشد و نه فرصت‌سوز

شایان ذکر است، با وجود آن که چندین بار با تلفن خانم زهرا ابراهیمی تماس گرفتیم، دست‌رسی به ایشان و در نتیجه گفت‌وگو با وی میسر نشد.

مهارت

کلیدواژه‌ها: مطالعه، یادگیری، حافظه.

خط کشیدن زیر نکات مهم

این روش گاهی می‌تواند برای یادگیری و صرفه‌جویی در وقت (در بار دوم خواندن) استفاده شود. اما روش صحیح این است که ابتدا مطالب را بخوانیم، مفهوم آن‌ها را کاملاً درک کنیم و سپس زیر نکات مهم را به ترتیب اولویت خط بکشیم، نه آن‌که در کتاب به دنبال نکات مهم بگردیم تا زیر آن‌ها را خط بکشیم.

حاشیه‌نویسی

حاشیه‌نویسی نمی‌تواند برای درک عمیق مطالب و خواندن کتاب‌های درسی، روش بسیار مناسبی باشد، اما می‌توان از آن برای یادگیری مطالبی که از اهمیت چندانی برخوردار نیستند، استفاده کرد.

خلاصه‌نویسی

خلاصه‌نویسی به این صورت است که شما مطالب را می‌خوانید و آنچه را درک کرده‌اید، به صورت خلاصه در دفتری یادداشت می‌کنید.

این روش برای مطالعه نسبتاً مناسب است و از روش‌های قبلی بسیار بهتر است؛ چرا که برای خلاصه‌نویسی باید ابتدا مطالب را درک و سپس آن‌ها را یادداشت کنیم.

کلیدبرداری

این روش برای خواندن و نوشتن نکات مهم، بسیار مناسب است؛ چرا که در این روش، شما بعد از درک مطالب، به صورت کلیدی نکات مهم را یادداشت می‌کنید.

درواقع کلمات کلیدی کوتاه‌ترین، راحت‌ترین، بهترین و پرمعنی‌ترین کلمه‌ای است که با دیدن آن، مفهوم جمله تداعی و به‌خاطر آورده می‌شود.

مطالعه و یادگیری رابطه‌ای تنگاتنگ و مستقیم با یکدیگر دارند؛ تا جایی که می‌توان این دو را لازم و ملزوم یکدیگر دانست. برای این که میزان یادگیری افزایش یابد، باید قبل از هر کار، مطالعه‌ای فعال و پویا داشت. مشکل عمده‌ی دانش‌آموزان در یادگیری، ندانستن شیوه‌ی صحیح مطالعه است. اکثر دانش‌آموزان به روش سنتی و از طریق تکرار خواندن، مطالب را می‌آموزند؛ یعنی آن قدر تکرار می‌کنند تا مطلبی را بیاموزند و تصور می‌کنند هرچه بیشتر تکرار کنند، بیشتر می‌آموزند.

مطالعه به شیوه‌ی صحیح، چهار فایده دارد:

۱. کاهش زمان مطالعه؛ ۲. افزایش میزان یادگیری؛ ۳. ماندگاری طولانی مطالب در حافظه؛ ۴. آسان شدن به یادسپاری مطالب.

برای داشتن مطالعه‌ای فعال، نوشتن نکات مهم در حین خواندن، ضروری است.

● افراد برای یادگیری مطالب مورد علاقه‌ی خود، معمولاً از یکی از شش روش زیر استفاده می‌کنند.

خواندن بدون نوشتن؛ خط کشیدن زیر نکات مهم؛ حاشیه‌نویسی؛ خلاصه‌نویسی؛ کلیدبرداری؛ خلاصیت و طرح شبکه‌ای مغز.

خواندن بدون نوشتن

خواندن بدون یادداشت‌برداری، یکی از شیوه‌های نادرست مطالعه است. نوشتن نکات مهم، رکنی مهم از فرایند مطالعه را تشکیل می‌دهد و بدون آن، بازده مطالعه بسیار کاهش می‌یابد. همچنین یادداشت‌برداری صحیح می‌تواند موفقیت فرد را تا حدود زیادی تضمین کند و مدت زمان لازم برای یادگیری را کاهش دهد.

اشاره

اعمال راهنمایی تحصیلی در تمام دوره‌های تحصیلی، ضرورت اجتناب‌ناپذیری است و اجرای آن به هیچ وجه نباید به دوره‌ی خاصی از تحصیلات محدود شود. یکی از مهم‌ترین این راهنمایی‌ها، آموزش مهارت‌های تحصیلی است که معلمان محترم در آموزش آن نقش مؤثری دارند. در این نوشته، به مهارت آموزش روش‌های مطالعه که آشنایی آن برای دانش‌آموزان مفید خواهد بود، پرداخته شده است.

مطالعه

مشکل عمده‌ی دانش‌آموزان در یادگیری، ندانستن شیوه‌ی صحیح مطالعه است

با این روش، هم مدت مطالعه مناسب است و هم استراحت بعد از آن. که از یک طرف باعث ثبت قوی‌تر و بهتر مطالب خوانده شده در حافظه می‌شود و از طرفی دیگر سبب آمادگی ذهنی و جسمی فرد برای یادگیری مطالب بعدی خواهد شد.

نیم ساعت مطالعه + ۵ دقیقه استراحت را فراموش نکنید.

● عدم وابستگی به چشم

متأسفانه تعدادی از دانش‌آموزان در هنگام مطالعه، وابستگی بسیار زیاد به چشم خود دارند تا به ذهن و حافظه‌شان؛ یعنی هنگام درس خواندن اگر نکته‌ای را فراموش کرده‌اند، بی‌درنگ و بلافاصله به کتاب نگاه می‌کنند و اصلاً به خود زحمت نمی‌دهند که اگر نکته‌ای به ذهنشان نیامد کمی فکر کنند تا شاید به یاد آورند و چنانچه بعد از مدتی تفکر، موفق نشدند به کتاب مراجعه کنند. هر قدر به چشمتان بیشتر وابسته باشید به همان نسبت میزان به‌خاطر سپاری عمیق‌تر اطلاعات کاهش می‌یابد. افرادی که از ذهنشان بیشتر از چشمشان استفاده می‌کنند، معمولاً موفقیتی بیشتر در تحصیلات کسب می‌کنند. بنابراین هنگام یادداشت‌برداری از ترس فراموش کردن، به‌صورت جمله مطالب را یادداشت نکنید بلکه به شکل کلمات کلیدی و خلاق بنویسید.

فراموشی ناشی از خیانت حافظه نیست بلکه به‌خاطر روش نادرست مطالعه است.

● خلاقیت و طرح شبکه‌ای مغز

این روش، بهترین شیوه برای یادگیری (به‌ویژه یادگیری مطالب درسی) است. در این روش شما مطالب را می‌خوانید، بعد از درک حقیقی آن‌ها، نکات مهم را به زبان خودتان (یعنی به راحت‌ترین شکلی که آن کلمه، مفهوم جمله را برایتان تداعی می‌کند) و به‌صورت کلیدی یادداشت می‌کنید و سپس کلمات کلیدی را روی طرح شبکه‌ای مغز می‌نویسید (در واقع نوشته‌های خود را به بهترین شکل ممکن سازماندهی می‌کنید و نکات اصلی و فرعی را مشخص می‌کنید) تا دفعات بعد به جای دوباره‌خوانی کتاب، فقط به طرح شبکه‌ای مراجعه کرده، با دیدن کلمات کلیدی نوشته شده، آن‌ها را خیلی سریع مرور کنید.

این روش درصد موفقیت تحصیلی یادگیرنده را تا حدود بسیار زیادی افزایش می‌دهد و درس خواندن را بسیار آسان کرده، بازه مطالعه را افزایش می‌دهد.

● چه قدر بخوانیم

آیا شما جزء آن گروه از یادگیرندگانی هستید که حدود دو سه ساعت بدون وقفه به درس خواندن ادامه می‌دهید و سپس استراحت می‌کنید؟ اگر جوابتان مثبت است، بدانید که روشی نادرست را در پیش گرفته‌اید. حدود ۲ ساعت مطالعه بدون وقفه بسیار خسته‌کننده خواهد بود و مغز توانایی لازم را برای یادگیری نخواهد داشت؛ چرا که طبق نظر متخصصان امور مطالعه و یادگیری و با انجام آزمایش‌های علمی به عمل آمده، آستانه‌ی یادگیری بین ۱۰ تا ۴۵ دقیقه است؛ یعنی هر فرد بین ۱۰ تا ۴۵ دقیقه می‌تواند مطالب را به‌خوبی یاد بگیرد و بعد از این مدت، میزان یادگیری به شدت کاهش می‌یابد. روش مفید و مناسب آن است که بعد از نیم ساعت مطالعه، حدود ۵ دقیقه استراحت کنید.

منابع

۱. علی‌پور، بیژن- شمسیا، علی. فنون برتر مطالعه. تهران: دکلمه‌گران. ۱۳۷۶.
۲. توکلی، علیرضا، چگونه درس بخوانیم تا فراموش نکنیم. تهران: نشر باران، ۱۳۷۶.
۳. حق‌دوست، صغری. روش تدریس و هنر معلمی.

مشخصات شوهر عمه‌ام و قد و وزنش و شغلش و اخلاق و رفتارش پرسید تا رسید به خودم و پدرم و پدر بزرگم و دست‌خطم و مشخصات خودنویس و مشخصات سارق و... بعد هم گفت، دزد را پیدا می‌کند؛ چون توی مدرسه‌ای که او ناظمش است، محال است که دزدی بشود.

فردای همان روز، وسط کلاس ریاضی، آقای ناظم آمد و مرا صدا زد و برد دفتر. یک دانش‌آموز نتراشیده، نخراشیده را نشانم داد و گفت: «خوب نگاهش کن! بین سارق همین است؟»

نمی‌دانستم چی بگویم. این با اونی که من دیده بودم، فرق داشت. خیلی گنده‌تر از او بود. گفتم نه. و برگشتم سر کلاس.

دو روز بعد، دوباره سر کلاس ادبیات، آقای ناظم مرا احضار کرد. یک دانش‌آموز ریزه و شرور را نشانم داد و گفت: «خوب نگاهش کن. بین جناب سارق این است؟!»

طرف از چشمانش آتش می‌بارید. خیلی کوچک‌تر از آن هیکلی بود که توی کلاس دیده بودم. گفتم نه و برگشتم سر کلاس.

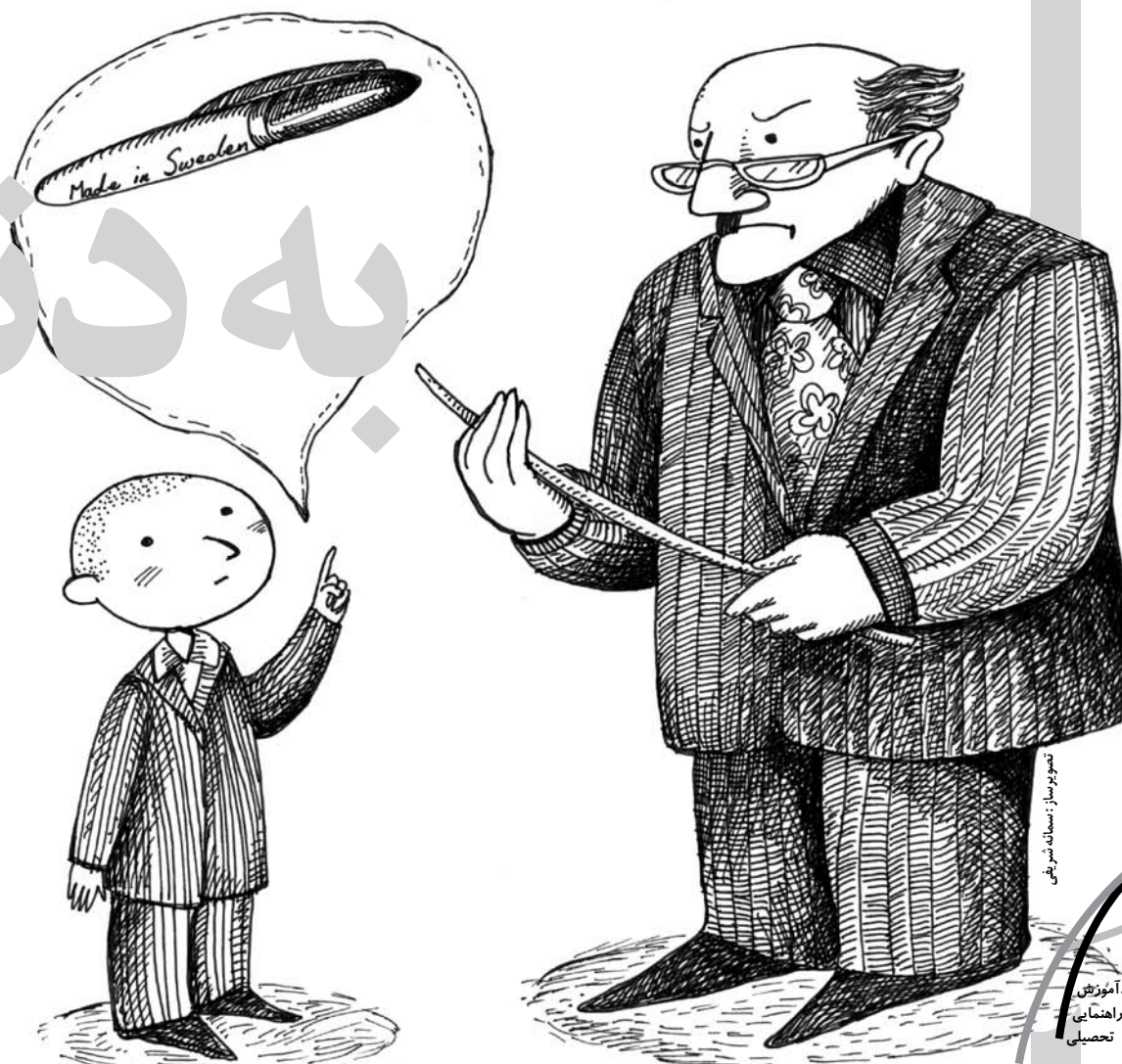
آره مش کاظم جان! یادش به خیر که نه، ... یک خودنویسی داشتیم که سال اول راهنمایی، شوهر عمه‌ی مرحومم برایم خریده بود. می‌گفت که از سوئیس آورده، اما می‌دانستم که از همین بازار سید اسماعیل خریده است. شوهر عمه‌ی مرحومم عشق سوئد را داشت و همیشه هم سوئد را با سوئیس اشتباه می‌گرفت!

کاری نداریم. این خودنویس باعث شری برای من شد که نگو و نپرس. چه جوری؟ الان برایتان تعریف می‌کنم:

همان روز اول که خودنویس را بردم مدرسه، زنگ تفریح دوم، یک شیر پاک خورده‌ای آن را از توی کیفم دزدید. من وقتی رسیدم که او از کلاس بیرون می‌رفت و خودنویس هم توی دستش بود.

قیافه‌اش را درست ندیدم. بدو بدو رفتم دفتر و ماجرا را به آقای ناظم گفتم. اما ای کاش پایم می‌شکست و زبانم لال می‌شد و این کار را نمی‌کردم. چرا؟ الان باز هم برایتان می‌گویم:

آقای ناظم مرد بسیار سخت‌گیری بود. من را نشانم توی دفتر و یک کاغذ گذاشت جلوی من و شروع کرد به بازجویی از من. از اسم و



نمونه پرو سازه شریانی

رشد آموزش
راهنمایی
تحصیلی

دو روز دیگر، دوباره همین اتفاق افتاد و یک شاگرد دیگر و شناسایی نشدن دزد توسط بنده و...

تا آخر سال، آقای ناظم هر چند روز، یک نفر را برای شناسایی، روبه‌روی من قرار می‌داد. به کل از درس و مشق افتادم. سال که تموم شد، چند تا تجدیدی آوردم و تقریباً تمام دانش‌آموزهای مدرسه را یکی یکی توسط آقای ناظم مورد شناسایی قرار داده بودم، اما هیچ کدام شبیه کسی که دیده بودم، نبود.

با خودم گفتم، به آقای ناظم بگویم که یکی از همین‌ها دزد بوده و خودم را خلاص کنم، اما وجدانم راضی به این کار نمی‌شد. تابستان که شروع شد، نفس راحتی کشیدم که از شر ماجرای شناسایی بچه‌ها راحت شده‌ام. اما شب‌ها کابوس می‌دیدم.

سال بعد هم باید توی همان مدرسه درس می‌خواندم. هفته‌ی اول ناگهان دوباره سروکله‌ی آقای ناظم پیدا شد. باید دانش‌آموز جدیدی را شناسایی می‌کردم. آن بیچاره، سال قبل اصلاً توی مدرسه‌ی ما نبود! اما آقای ناظم احتمال می‌داد که از ماجرای سرقت خودنویس خبر داشته باشد!



احمد عربلو

فکری به ذهنم رسید. رفتم پیش شوهر عمه‌ام و از او خواهمش کردم، التماس کردم که به قول خودش برود سوئد و یک خودنویس، مثل همان که برایم آورده بود و من تمام مشخصات آن را برای آقای ناظم شرح داده بودم، برایم بخرد و بیاورد. بیچاره پذیرفت، رفت و لنگه‌ی همان خودنویس را برایم خرید و آورد. من هم با خوش‌حالی تمام آن را پیش آقای ناظم بردم و ذوق‌زده گفتم که خودنویسم پیدا شده و سارق با دست خودش آن را برایم پس آورده است.

اما ای کاش لال می‌شدم و این حرف را نمی‌زدم، آقای ناظم از پشت عینکش نگاهی به من انداخت و گفت: «خوب شد. خیلی خوب شد. پس جناب‌عالی آقای سارق را دیدید. حالا حتماً می‌توانید راحت ایشان را شناسایی کنید...»

دیگر بدتر از این نمی‌شد. کارم از اول درآمده بود. آدم خانه و تصمیم به ترک تحصیل گرفتم. اما خداوند کمکم کرد و مأموریتی به پدرم خورد و توفیق اجباری شد که برویم شهرستان. البته دیگر از درس و مدرسه بیزار شدم. من الان می‌توانستم توی شهر خودمان یک

مهندس قابل باشم، اما حالا چی؟ کوپن‌فروشی می‌کنم. البته درآمدم بهتر است، اما خب دیگر ...!

بله، مش کاظم آقا! الان بعد از گذشت چهل سال، هنوز هم وقتی به آن خودنویس و مدرسه و آقای ناظم فکر می‌کنم، خیلی دلم می‌خواهد بدانم بر سر آن خودنویس چه آمد. ... آقای ناظم آن دوران ما الان کجاست ... کاش می‌دانستم ... راستی مش کاظم آقا. شما که هزار ماشاءالله به این سن و سال رسیده‌اید و هفت، هشت ده تا پیراهن بیشتر از من پاره کرده‌اید، توی این شهر، یک فرهنگی خیلی بازنشسته به اسم آقای کاظمی می‌شناسید؟ همیشه فکر می‌کنم که ناظم آن دوران ما هنوز هم دنبال من باشد که دزد را شناسایی کنم! فامیلی‌اش را که گفتم، اما اسم کوچکش ... آهان یادم آمد، اسم و فامیلی‌اش یکی بود: **کاظم کاظمی!** راستی ببخشید مش کاظم آقا، فامیلی شما چیست؟ چشمانتان که خیلی آشناست. این طرز نگاه کردنتان از پشت عینک، این تکه چوب که مثل خط‌کش آن را آرام به کف دستتان می‌زنید ... ای وای ... من، شما، خودنویس، مقررات ... نه ... نه ... نه ...

وسط‌های سال فکری به سرم زد. رفتم پیش آقای ناظم و کل ماجرای خودنویس و سرقت آن را تکذیب کردم. گفتم که ماجرای خودنویس توهم ذهنی من بوده است. حتی وجود شوهر عمه‌ام را به کل کتمان کردم! اما آقای ناظم سرم داد زد که تمام اعترافات من ثبت و ضبط شده و نمی‌توانم آن را کتمان کنم. ضمناً مقررات مقررات است و محال است تا هنگامی که دزد را پیدا نکرده است، از پای بنشیند. به کل گیج و منگ شده بودم، اما به هر بدبختی که بود، سال سوم راهنمایی را هم تمام کردم.

دیگر خیالم راحت شد که از آن مدرسه می‌روم و دست آقای ناظم به من نمی‌رسد. اما هنوز پایم را به دبیرستان نگذاشته بودم که آقای ناظم را دیدم که توی دفتر، انتظارم را می‌کشید؛ در حالی که دو نفر دانش‌آموز را برای شناسایی آورده بود. استدلالش هم این بود که آن‌ها در مدرسه‌ی قبلی با من هم‌کلاس بوده‌اند و رفتارشان مشکوک بوده است. در ضمن دست‌خط خوبی دارند و می‌توانند با خودنویس هم بنویسند!

معرفت کردگار

دیدن این عالم است

زنده‌ی بیدار باش

چشم خریدار باش

کتاب فارسی اول راهنمایی با شعری از محمود کیانوش شروع می‌شود که دو بیت آن را در بالا می‌خوانید. شاید بخواهید بدانید که محمود کیانوش کیست و نقش و تأثیر او در شعر کودک و نوجوان معاصر تا چه حد است؟

کیانوش متولد مشهد (۱۳۱۳) است و اکنون در سن ۷۵ سالگی، در انگلستان زندگی می‌کند. او در سال ۱۳۵۵، دو سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، به آن کشور مهاجرت کرد و در همان جا ماندگار شد. آن‌طور که کیانوش خود گفته است، پدرش مردی بی‌سواد، ولی با فرهنگ بوده است: «از فردوسی، خیام، مولوی و حافظ چنان حرف می‌زد که انگار از هم‌سخنان و هم‌سفرانش حرف می‌زند. در شرح وقایع و گزارش حال و فعل آدم‌ها استاد بود و من بعدها فهمیدم که در مکتب او شاگردی کرده بودم و نمی‌دانسته‌ام.»

اما همین پدر مخالف بود که پسرش به مدرسه برود و می‌گفت اگر محمود بخواهد عالم شود، باید به نجف^۱ برود نه به مدرسه. البته محمود با پا در میانی مادرش به مدرسه رفت. بعداً خانواده‌ی کیانوش به تهران مهاجرت کردند و

محمود در این شهر به دبیرستان رفت و این آغاز شکوفایی وی بود؛ چرا که «در کلاس دوم دبیرستان، برای قرائت فارسی و انشا، معلمی به کلاس ما فرستادند به نام مصطفی بی‌آزار که با ذهنی روشن و شناختی عمیق از ادبیات فارسی، درس می‌داد و ما را با روح هر نوشته‌ای آشنا می‌کرد. اولین موضوع انشایی که به ما داد، درباره‌ی «ورزش» بود و من برای این موضوع، داستان کوتاهی نوشتم با عنوان «هشت و سی‌پنج دقیقه». وقتی که آن را در کلاس خواندم، چهره‌ی استاد بی‌آزار از شادی شکفت و این داستان را از من گرفت و آن را در کلاس‌های دیگرش برای شاگردان خواند. استاد بی‌آزار به من گفت: موضوع انشا هرچه باشد، تو اجازه داری به جای آن یک داستان بنویسی.»

کیانوش در تهران به دانش‌سرای مقدماتی رفت و معلم شد. سپس در رشته‌ی زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه تهران پذیرفته شد و مدرک کارشناسی خود را در این رشته دریافت کرد. کیانوش در دنیای ادب فارسی معاصر، با سه چهره شناخته می‌شود: نویسنده، مترجم و شاعر. او در ترجمه و نویسندگی، آثار زیادی دارد که عمدتاً شامل مقاله، نقد و داستان است. البته چون سال‌های طولانی هم در انگلستان زیسته، اشعاری از شاعران فارسی را به انگلیسی نیز ترجمه کرده است. اما ما در این نوشته بیشتر به شخصیت شعری کیانوش می‌پردازیم.

بامحمود کیانوش

شاعر کودک و نوجوان

جعفر ربانی

کیانوش و شعر کودک و نوجوان

کارنامه‌ی شعری کیانوش بسیار پر بار و غنی و در نوع خود نوآورانه است.

وی از کودکی مایه‌های شاعرانه داشت و شعر هم می‌سرود، اما از وقتی به‌طور جدی به عرصه‌ی شعر وارد شد که از او دعوت کردند به مجلات دانش‌آموزی پیک (رشد امروز) برود، و او پذیرفت.

در این باره نوشته است: «چندی بود که انتشار مجلات پیک با مدیریت ایرج جهانشاهی و همکاری پاکدلان روشن اندیشی مثل اسماعیل سعادت، فردوس وزیری، پروین دولت‌آبادی و همکاری مؤسسه‌ی انتشارات فرانکلین آغاز شده بود. یک روز علی اصغر مهاجر (مدیر مؤسسه) از من خواست که همکاری با پیک را بپذیرم. همکاری را پذیرفتم. چند شماره از مجله را ورق زدم و شعرهای آن را خواندم.^۲

... فکر کردم که واقعاً در سرزمین ما هنوز شعری که بتوان آن را شعر کودک خواند، به وجود نیامده است. در آن موقع بود که گفتن شعر برای کودکان و نوجوانان را آغاز کردم و به مرور برای آن به اصول و قواعدی رسیدم و سرانجام حاصل تجربه‌ها و تأملاتم را در کتابی کوچک به نام «شعر کودک در ایران» منتشر کردم.»

کارنامه‌ی کیانوش

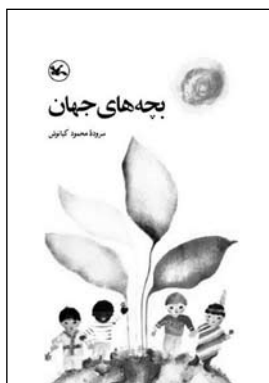
می‌توان گفت آن‌چه کیانوش در کتاب «شعر کودک در ایران» بیان کرده و به‌ویژه معیارهایی که برای شعر کودک - که البته شامل شعر نوجوان هم می‌شود - بیان کرده، تا امروز به قوت خود باقی است و نگارنده به یاد ندارد که تاکنون کسی چیزی کامل‌تر از آن را نوشته باشد.^۳ از این نکته که بگذریم، نوشته‌های محمود کیانوش در زمینه‌های شعر و داستان و نقد و... بالغ بر ۷۲ کتاب می‌شود که از آن میان، هشت کتاب شعر هستند؛ با این اسامی: زبان چیزها، طوطی سبز هندی، نوک طلایی نقره‌بال، باغ ستاره‌ها، بچه‌های جهان، طاق هفت‌رنگ، آفتاب خانه‌ی ما، شعر به شعر.

پی‌نوشت

۱. مجله‌ی مترجم، شماره‌ی ۷، ۱۳۷۸.

۲. همان.

۳. نگارنده، در شماره‌ی سوم سال چهارم مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی (آذر ۱۳۷۷) مقاله‌ی مفصلی درباره‌ی محمود کیانوش نوشت که در آن ۱۲ معیار پیشنهاد شده از محمود کیانوش را نیز نقل کرده است. علاقه‌مندان می‌توانند به آن نوشته رجوع کنند.



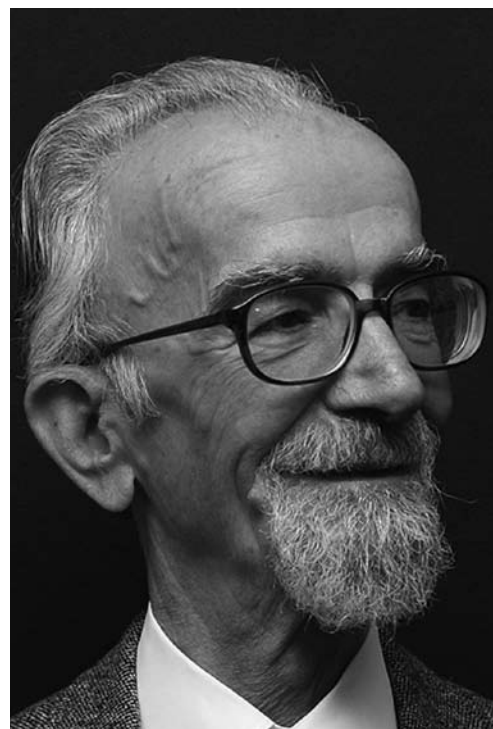
شعری از کتاب «بچه‌های جهان»

شعر من

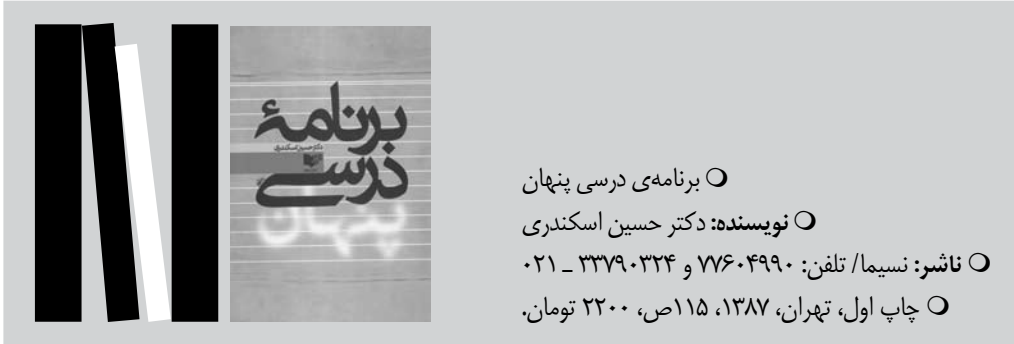
فرزنده‌های نازنینم
گل‌های باغ زندگانی
خوانندگان شعرهایم
در کودکی و نوجوانی
در شعر من، هر وقت شعری
دارید می‌خوانید از من
من نیستم، حرف شما هست
حرفی که می‌دانید از من

هرگز نخواهد شد عزیزان
یاد شما هرگز، فراموش
هستیم ما با هم همیشه
در شعر محمود کیانوش
در شعر خود هستیم همیشه
من زنده از لطف صداتان
فرزنده‌های مهربانم
سالم نگه دارد خداتان

در شعر من چشم شما هست
بر آسمان بیکران باز
با یک نگاه شاد و روشن
بر دیدنی‌های جهان باز



برنامه‌ی پنهان آشکار



○ برنامه‌ی درسی پنهان

○ نویسنده: دکتر حسین اسکندری

○ ناشر: نسیم/ تلفن: ۷۷۶۰۴۹۹۰ و ۳۳۶۹۰۳۳۴ - ۰۲۱

○ چاپ اول، تهران، ۱۳۸۷، ۱۱۵ ص، ۲۲۰۰ تومان.

در ضمن چیز دیگری باشد. در عین حال، غیرمستقیم و ناخودآگاه نیز نیست. اتفاقاً برنامه‌ی درسی پنهان، آشکار و پیش روی ماست. چیزی که می‌توان گفت، این است که جنس برنامه‌های آشکار و پنهان باهم تفاوت دارد. برنامه‌ی آشکار به محتوای مواد آموزشی نظر دارد؛ حال آن‌که برنامه‌ی پنهان لزوماً به محتوای آموزشی مربوط نیست، که به ساختار آموزشی مربوط است.

به واقع، «برنامه‌ی درسی پنهان چیزی است از جنس محیط و ساختار که خودش را بر محتوا و مواد آموزشی تحمیل می‌کند». این برنامه‌ها به حضور لحظه و عملی معلم و شاگرد در کلاس وابسته‌اند، مسائلی مانند: گروه‌بندی دانش‌آموزان، روابط معلمی - شاگردی، مقررات و رسوم متداول، انتقال ارزش‌های اجتماعی و دینی، شکل‌گیری هویت و مانند این‌ها که در دل برنامه‌های رسمی و آشکار گنجانده نیستند.

«برنامه‌ی درسی پنهان، غیررسمی و کیفی است. ولی با تمام این اصول، واجد ساختار و ضوابط معینی است و همین ساخت درونی موجب می‌شود تأثیر آن از حد تغییرات آنی فراتر رود و به شکل‌گیری هویت، ایجاد نظام ارزشی معین و دیدگاه و نگرش خاص منجر شود.»

قصدم از بیان این چند جمله، آشنایی اجمالی شما با بحثی بود که کتاب برنامه‌ی پنهان درسی دنبال می‌کند. در هر حال، در این کتاب، نویسنده پس از طرح بحث، مفهوم، ساختار و ابعاد برنامه‌ی درسی پنهان را مفصلاً بررسی می‌کند و می‌کوشد، با نقل و نقد نظریه‌ی اندیشمندان حوزه‌ی تربیت، به تعریفی از برنامه‌ی پنهان و نقش آن در برنامه‌ی درسی برسد.

برنامه‌ی درسی، چنان که مؤلف کتاب می‌گوید، در ساده‌ترین تعریف، نقشه‌ی راه معلم در کلاس درس است. برنامه‌ی درسی به معلم می‌گوید، چه چیزی را، به چه اندازه و به چه شکل سر کلاس درس به شاگردانش بیاموزد و چگونه چیزهایی را که به آن‌ها آموخته است، ارزشیابی کند.

البته تعریف‌های پیچیده‌تری نیز از برنامه‌ی درسی وجود دارد. برخی در تعریف برنامه‌ی درسی، حتی پای خانواده و جامعه و رسانه‌ها و نهادهای مدنی و دینی را به میان کشیده‌اند و برخی قلمروی آن را از حوزه‌های رسمی به حوزه‌های غیررسمی گسترش داده‌اند. برخی از اندیشمندان از برنامه‌های رسمی و ضمنی (فوق برنامه) سخن گفته‌اند و برخی از برنامه‌های هدفمند و پوچ یا به تعبیر نویسنده‌ی کتاب از برنامه‌های سرگردان، سخن رانده‌اند. برخی هم برنامه را به آشکار و پنهان تقسیم کرده‌اند.

اما مقصود از برنامه‌ی درسی پنهان چیست؟ این پرسشی است که نویسنده می‌کوشد در کتاب نسبتاً کم‌حجم خود، به آن پاسخ دهد. گفت‌وگو درباره‌ی برنامه‌ی درسی پنهان، از این‌رو مهم می‌نماید که موضوعی نسبتاً تازه و در عین حال غلط‌انداز و مناقشه‌برانگیز است. از این‌روست که بخش زیادی از تلاش‌های نویسنده، مصروف روشن کردن جوانب خود موضوع می‌شود. او می‌کوشد بگوید که برنامه‌ی درسی پنهان چه چیزی نیست، تا خواننده دچار بدآموزی یا اشتباه نشود.

او توضیح می‌دهد که برنامه‌ی درسی، برنامه‌ای پشت پرده و مخفیانه نیست تا بخواهد نیت و مقاصدی را دور از چشم دیگران به اجرا درآورد. مقاصد بی‌برنامه یا برنامه‌ریزی نشده یا ناخواسته هم نیست. ضمنی هم نیست و قرار نیست



فاطمه محمودیان

پژوهش و نوجوانان

اشاره

مجله‌ی «رشد آموزش راهنمایی تحصیلی» تصمیم دارد در هر شماره کتاب‌های مناسبی را براساس موضوعات درسی برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی به شما همکاران محترم معرفی کند.

- عنوان: همیشه در جست‌وجو (روش پژوهش برای نوجوانان)
- نویسنده: محمد حسین بحر العلومی
- ناشر: کتاب‌آراد / تلفن: ۰۶۶۴۸۲۲۲۶ - ۰۶۶۹۷۵۲۸۵ - ۰۲۱
- چاپ اول، تهران، ۱۳۸۶، ۱۰۰ ص، ۱۲۰۰ تومان.

دوره‌ی نوجوانی یکی از حساس‌ترین دوره‌های زندگی انسان است. در این دوره، نوجوانان بسیار کنجکاو و سؤال‌های زیادی برایشان پیش می‌آید. ویژگی‌های دانشمندان شباهت‌های زیادی با خصوصیات نوجوانان دارد. برای هر دو گروه سؤال‌های متعددی پیش می‌آید. هر دو گروه علاقه‌مندند جواب سؤال‌هایشان را پیدا کنند. چه بهتر که نوجوانان برای پیدا کردن جواب سؤال‌هایشان مانند دانشمندان عمل کنند. همه‌ی دانشمندان، روش منظمی برای این کار پیدا کرده‌اند که به آن «روش علمی» می‌گویند.

این کتاب چهار روش پژوهش را در چهار موضوع به شما معرفی می‌کند. با خواندن هر قسمت می‌توانید، با اصطلاحات پژوهش و روش‌هایی آشنا شوید که پژوهشگران برای اجرای هر پژوهش انجام می‌دهند. برای این که بتوانید یادگیری خودتان را ارزیابی کنید، سعی کنید تمرین‌هایی را که در پایان هر قسمت آمده است، انجام بدهید.

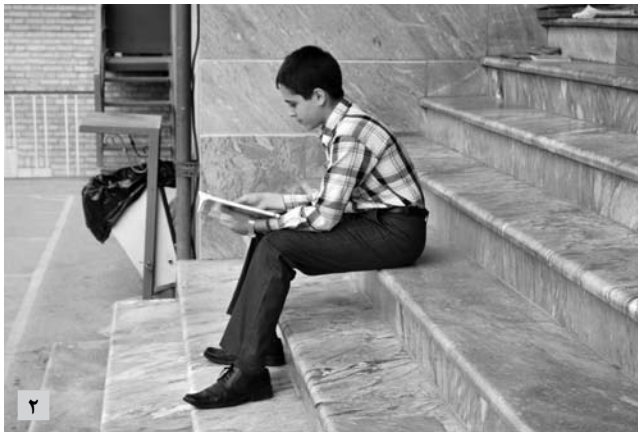
پس از مطالعه‌ی کتاب، اگر با مسئله‌ای روبه‌رو شدید که به توضیح بیشتر نیاز دارد و یا این که پیشنهاد و انتقادی دارید، می‌توانید از طریق نشانی زیر، با نویسنده‌ی کتاب مکاتبه کنید:
Email: hbahrololoomi@gmail.com
Email: hbahrololoomi@farsedu.com

با تشکر از همکاری که به سؤالات مطرح‌شده در شماره‌های ۱ و ۲ مجله‌ی رشد آموزش راهنمایی تحصیلی پاسخ دادند، به اطلاع می‌رساند که پاسخ‌های دوستان، در اختیار کارشناسان مربوطه قرار گرفته است. پس از بررسی، اسامی کسانی که جامع‌ترین پاسخ را ارائه دادند در مجله چاپ می‌شود و دفتر آموزش‌پژوهش راهنمایی تحصیلی، از آنان تقدیر می‌کند. پرسش شماره‌ی ۳ خدمت شما خواهد رسید.

خوبان ارائه می‌شود:

۱. تدریس موظف هفتگی مدیران مدارس در چارچوب برنامه‌ی سامان‌دهی نیروی انسانی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
 ۲. برای ارتقای سطح کیفی کلاس‌های جبرانی ضمن سال، چه پیشنهاداتی ارائه می‌کنید.
- همکاران گرامی، پاسخ خود را به دفتر مجله ارسال کنید.

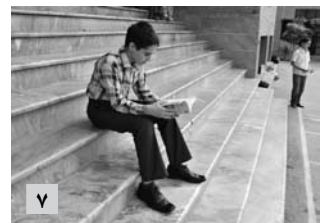
پرسش مسئولان، پاسخ شما



عکس شماره ۲: زاویه‌ی قرارگیری دانش‌آموز گویا و مناسب است، اما زمینه‌ی خوبی نداریم.



عکس شماره ۱: زمینه ساده و خلوت است و دانش‌آموز در وضعیت مناسبی قرار دارد.



عکس‌های شماره ۶ و ۷ و ۸: با باز کردن زاویه‌ی لنز، عناصر دیگری از فضای آموزشی به زمینه اضافه شده‌اند که می‌تواند با توجه به موضوع و محتوای مورد نظر شما، کاربردهای مناسب داشته باشد.

عکس‌های شماره ۳، ۴ و ۵: با چرخش به‌دور موضوع، زاویه‌های متفاوت و زمینه‌های ساده را می‌بینیم.

نگاه زاویه

طیبه رحیمی

در این شماره، سومین مبحث راجع به آموزش ابتدایی عکاسی را پی می‌گیریم. در شماره‌ی قبل، بیشتر راجع به شرایط نوری موضوع صحبت شد. حال می‌خواهیم چگونگی نگاه کردن به موضوع و انتخاب زاویه‌ی نهایی را بررسی کنیم. هنگامی که موضوع دلخواه خود را در مقابل دارید، بهتر است با کمی تأمل به آن نگاه کنید. قدم اول برای نگاه کردن دقیق به شرایط و انتخاب بهترین زاویه‌ی ممکن، این است که به‌دور موضوع بچرخید و آن را در چشمتان مشاهده کنید. تا حد امکان چند عکس با زاویه‌های متفاوت از موضوع بگیرید تا انتخابتان درست‌تر و دقیق‌تر شود. این کار به شما کمک می‌کند که ذهن و چشمتان را نسبت به زاویه‌های مناسب و متفاوت موضوعات حساس کنید و شرایط محیطی را سریع‌تر بسنجید. همچنین، با چرخش به‌دور موضوع، می‌توانید بهترین زمینه^۲ را برای کادر خود انتخاب کنید و در صورت لزوم، موضوع را متناسب با آن زمینه جابه‌جا کنید. در نتیجه، شما دو پارامتر مهم را رعایت کرده‌اید:

۱. سنجیدن زاویه‌های متفاوت موضوع؛
۲. انتخاب زمینه‌ی مناسب.

زیرنویس

1. LCD یا view finder
2. Background

رشد آموزش
راهنمایی
تحصیلی



با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند:

مجله‌های عمومی دانش آموزی

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- ♦ **رشد کودک** (برای دانش آموزان آمادگی و پایه ی اول دوره ی دبستان)
- ♦ **رشد نوجوان** (برای دانش آموزان پایه های دوم و سوم دوره ی دبستان)
- ♦ **رشد دانش آموز** (برای دانش آموزان پایه های چهارم و پنجم دوره ی دبستان)
- ♦ **رشد نوجوان** (برای دانش آموزان دوره ی راهنمایی تحصیلی)
- ♦ **رشد جوان** (برای دانش آموزان دوره ی متوسطه و پیش دانشگاهی)

مجله‌های عمومی بزرگسال

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- ♦ **رشد آموزش ابتدایی** ♦ **رشد آموزش راهنمایی تحصیلی** ♦ **رشد تکنولوژی آموزشی** ♦ **رشد مدرسه فردا** ♦ **رشد مدیریت مدرسه** ♦ **رشد معلم**

مجله‌های اختصاصی

(به صورت فصلنامه و ۴ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- ♦ **رشد برهان راهنمایی** (مجله ریاضی برای دانش آموزان دوره ی راهنمایی تحصیلی) ♦ **رشد برهان متوسطه** (مجله ریاضی برای دانش آموزان دوره ی متوسطه و پیش دانشگاهی) ♦ **رشد آموزش قرآن** ♦ **رشد آموزش معارف اسلامی** ♦ **رشد آموزش زبان و ادب فارسی** ♦ **رشد آموزش هنر** ♦ **رشد مشاور مدرسه** ♦ **رشد آموزش تربیت بدنی** ♦ **رشد آموزش علوم اجتماعی** ♦ **رشد آموزش تاریخ** ♦ **رشد آموزش جغرافیا** ♦ **رشد آموزش زبان** ♦ **رشد آموزش ریاضی** ♦ **رشد آموزش فیزیک** ♦ **رشد آموزش شیمی** ♦ **رشد آموزش زیست شناسی** ♦ **رشد آموزش زمین شناسی** ♦ **رشد آموزش فنی و حرفه ای** ♦ **رشد آموزش پیش دبستانی**

مجله‌های رشد عمومی و اختصاصی برای آموزگاران، معلمان، مدیران، مربیان و مشاوران مدارس، دانش‌جویان مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند.

- ♦ **نشانی:** تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات کمک آموزشی.

♦ **نمبر:** ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۷۸

♦ **تلفن:** ۰۲۱-۸۸۸۴۹۰۹۹

♦ **E _ mail:** info@roshdmag.ir ♦ **www:** roshdmag.ir

نگاهی به مجله‌ی دانش آموزان مان

در شماره‌ی آذرماه ۱۳۸۸ مجله‌ی رشد نوجوان این عناوین به چشم می‌خورد:

- ۱ **دختر فداکار:** داستان واقعی درباره‌ی یک دختر نوجوان روستایی که دو کودک را از دست گرگ نجات داده است.
- ۲ **آدم آهنی تنها:** معرفی و نقد یک فیلم انیمیشن که به «WALL-E» شهرت دارد و اشارات ظریفی به موضوع حفظ محیط زیست و فاجعه‌ی ناشی از بی‌توجهی به این امر دارد.
- ۳ **قبل از دار با سردار قادسیه:** مطلب طنز به صورت یک گفت‌وگوی فرضی با صدام حسین، درباره‌ی حمله به ایران.
- ۴ **نقش خدا در جهان آفرینش:** میزگردی با حضور دانش آموزان درباره‌ی اسماً الهی و نقش پروردگار در جهان آفرینش
- ۵ **ردیاب صوتی:** مطلب علمی درباره‌ی شگفتی‌های جانورانی مانند خفاش‌ها و دلفین‌ها که ال‌هام‌بخش بشر در اختراع دستگاه‌هایی همچون رادار بوده‌اند.
- ۶ **تجربه‌ها:** یک مطلب طنز مصور درباره‌ی تجربه‌های تلخ و شیرین زندگی و اهمیت برخورد درست با آن‌ها
- ۷ **تأثیر راه رفتن بر سلامت انسان:** یک مطلب ورزشی درباره‌ی پیاده‌روی صبح به عنوان یک ورزش مؤثر و نشاط‌آور
- ۸ **آینه‌های روبه‌رو:** دو شعر از افشین اعلا و غلامرضا بکتاش، درباره‌ی فقر و تنگدستی، به علاوه‌ی نکات فنی و نقد آن‌ها
- ۹ **کلاه حصیری پدر:** یک داستان خارجی درباره‌ی یک رام‌کننده‌ی اسب‌ها به علاوه‌ی نکاتی درباره‌ی داستان‌نویسی (این شماره؛ زاویه‌ی دید)
- ۱۰ **گلدان:** مطالب رسیده از دانش آموزان نوجوان سراسر کشور
- ۱۱ **خواف، زیور خراسان بزرگ:** نگاهی اجمالی به پیشینه‌ی تاریخی و دیدنی‌های شهرستان خواف از توابع استان خراسان رضوی به صورت مصور
- ۱۲ **جدول، سرگرمی، معرفی کتاب و ...**

ضمن آرزوی توفیق برای همکارانی که دغدغه‌ی آن‌ها یاد دادن ماهیگیری به جای دادن ماهی به بچه‌ها است، یادآوری می‌کنیم؛ مجله‌ی رشد نوجوان قابلیت این را دارد که در کنار کتاب‌های درسی، به نشاط علمی در کلاس درس بیفزاید. از این‌رو، برای ارتقای کیفیت آن چشم به راه پیشنهادها، انتقادات و مطالب شما همکاران محترم هستیم.

سؤال از شما

با سلام و تشکر از مسئولان محترم مجله‌ی رشد آموزش راهنمایی، می‌خواستم بدانم بر چه اساسی محتوا و موضوعات مجله را تنظیم می‌کنند؟ آن‌چه که تاکنون مشاهده شده بیانگر این است که تولیدکنندگان مطالب این مجله افراد خاصی هستند که شاید بتوان ادعا کرد، آگاهی زیادی از مسائل معلمان دوره‌ی راهنمایی ندارند تا بتوانند مطالب مورد نیاز آن‌ها را تهیه کنند. مجلات رشد نیز مانند آموزش‌های ضمن خدمت، بی‌اثر شده‌اند!

رضا رحمتی - شهری - معلم علوم تجربی

پاسخ از ما

با سلام به همکار محترم و تشکر از صراحت لهجه در بیان مسئله. دوست عزیز، برنامه‌ریزی یکی از مهم‌ترین بخش‌های هر سازمان است، چرا که بدون برنامه‌ریزی، تحقق اهداف ناممکن می‌شود. مجلات رشد براساس اهدافی آماده می‌شوند که توسط مسئولان و صاحب‌نظران آموزش و پرورش تنظیم شده‌اند؛ کسانی که خودشان نیز مدرسه‌ای بوده و گج کلاس خورده‌اند. طبیعی است که نمی‌توان ادعا کرد این برنامه کامل است و تمام دغدغه‌ها و نیازهای همکاران محترم در دوره‌ی راهنمایی را پوشش می‌دهد، اما تمام سعی و تلاش دوستان و همکاران شما در شورای برنامه‌ریزی مجله این است که بتوانند مطالبی را تولید کنند که برای شما عزیزان مفید باشند.

یکی از راه‌های به‌دست آوردن نیازهای شما مخاطبان محترم، نظرسنجی است که به شکل‌های گوناگون انجام می‌شود و نتایج این نظرسنجی‌ها در برنامه‌ریزی تولید محتوا تأثیر دارد. اما واقعیت مطلب این است که شاید این نظرسنجی‌ها به تجدید نظر نیاز داشته باشند. امیدواریم با یاری شما خوبان بتوانیم آن را بهتر انجام دهیم. حال سؤال دیگری مطرح می‌کنیم تا بتوانیم نیازهای مخاطبان خود را بهتر بشناسیم: شما چه روش‌های مفید و کاربردی را پیشنهاد می‌کنید؟

ما را یاری کنید؛ شورای برنامه‌ریزی مجله



برگ اشتراک مجله‌های رشد

شرایط:

- ۱- پرداخت مبلغ ۵۰/۰۰۰ ریال به ازای هر عنوان مجله‌ی درخواستی، به صورت علی‌الحساب به حساب شماره‌ی ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت شعبه‌ی سه راه آزمایش (سرخه حصار) کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست.
- ۲- ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده‌ی اشتراک باپست سفارشی. (کپی فیش را نزد خودنگه دارید.)

نام مجله‌های درخواستی :

.....

.....

نام و نام خانوادگی:

تاریخ تولد:

میزان تحصیلات:

تلفن:

نشانی کامل پستی:

استان: شهرستان:

خیابان:

پلاک: کد پستی:

در صورتی که قبلاً مشترک مجله بوده‌اید، شماره‌ی اشتراک خود را بنویسید:

امضا:

☎ امور مشترکین: ۷۷۳۳۶۶۵۵-۷۷۳۳۶۶۵۵

۱۶۵۹۵/۱۱۱

☎ پیام گیر مجله‌های رشد: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۸۲

☎ صندوق پستی امور مشترکین:

.....

یادآوری:

- ☎ هزینه‌ی برگشت مجله در صورت خوانا و کامل نبودن نشانی و عدم حضور گیرنده، بر عهده‌ی مشترک است.
- ☎ مبنای شروع اشتراک مجله از زمان دریافت برگ اشتراک است.